



سراسری ریاضی ۹۵



زبان و ادبیات فارسی



۱. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

معنی درست واژه‌ها: شایق: آرزومند، مشتاق (لایق: سزاوار) / جنون: شیفتگی، شیدایی، شوریدگی / اهتزاز: جسیدن، به اهتزاز آمدن / به حرکت درآمدن / بزجم: التهاپ: شعله‌ور شدن، برافروختن

۲. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

معنی درست واژه‌ها: راه نافتن: تغییر مسیر دادن

۳. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

معنی درست واژه: بی‌گناه شدن: غمراستیدن هنگام غروب یا شب

۴. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

املائی درست واژه: تبا: ستایش (سنا: روشنایی)

۵. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

املائی درست واژه در سایر گزینه‌ها:

۱. محظور: مانع و مجازاً گرفتاری و مشکل

۲. حاذق: ماهر، چیره‌دست

۳. ستوران: چهارپایان (سطور: سطرها، خط‌ها)

۶. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

املائی درست واژه‌ها: منسوب: نسبت داده شده (منسوب: نصب‌شده، گماشته) / طبع: سرشته، نهاد (تبع: تبعیت، پیروی / جمع تابع، پیروان)

۷. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

بررسی آثار: بوستان: سعدی / بهارستان: خیابانی / قصبه‌های دوشنبه: آفونس جوده / پرندهای به نام آذرباد: ریچارد باخ

۸. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

بررسی آرایه‌ها در بیت‌ها:

تشبیه (بیت «ج»): خوان زمین (اضافه تشبیهی)

ایهام تناسب (بیت «ب»): قامت: ۱- همراه یا فعل «بستن» اصطلاحی است به معنی ایستادن و آماده نماز شدن (معنی درست) ۲- قد (معنی نادرست) / تناسب با قد

اسلوب معادله (بیت «د»): دل غافل از حق / تن / فرمان‌پذیر بودن = خواب‌آلوده / اسب / به هر جا که خواستن بردن

مجاز (بیت «الف»): فردا: مجاز از روز قیامت



۹. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) بیرون جستم و فوراً برگشتم.

۲) مکر و قریب جهان یشاره و وفاحت این مصطفای بدقواره

۳) بی‌تابی فلک، یوقلمون و شقاوت مردم دون

۱۰. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

ایهام تناسب: روان: ۱- روح (معنی درست) ۲- جاری (معنی نادرست) / تناسب یا آب

اسلوب معادله: —

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) استعاره: جان‌بخشی به آب و نسبت دادن قد و قامت و پا به سرو، تشخیص و استعاره است.

مراعات نظیر: گفد، قد قامت، پا (مجموعه اندام انسانی)

۳) تشبیه خود به آب / سرو به معشوق

تشخیص: جان‌بخشی به آب / نسبت دادن قد و قامت و پا به سرو

۴) کنایه: جان بر کف بودن کنایه از تهراسیدن از مرگ و جدیت در راه هدف، تا پای جان / ازوان در پای کسی ریختن کنایه از خود را فدای او کردن

جناح: دوان، روان (نقص)

۱۱. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

تضاد: طلوع ☞ غروب / برداشتن ☞ افتادن / صبح ☞ شام

جناح همسان (تام): که (حرف ربط) و که (ضمیر پرسشی)

استعاره: جان‌بخشی به خرخ / خرخ: استعاره از آسمان

کنایه: از خاک برداشتن کنایه از دست‌گیری و کمک کردن / به خاک افتادن کنایه از خوار و ذلیل شدن

نغمه جروف: تکرار صامت «ر» (۲ بار)

۱۲. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

فعل «گرفتن» در این گزینه در معنی «اثر کردن» و در سایر گزینه‌ها در معنی «اخذ کردن» و به دست آوردن» به‌کار رفته است.

۱۳. ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴

دقت کنیا: در ترکیب «چشم آهوئنه لیلی» وابسته وابسته وجود ندارد و هر یک از وابسته‌ها متعلق به «هسته» اند.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲) سایه تقدیر آیزد: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۳) طومار شکوه تو: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۴) اشک ندامت تو: مضاف‌الیه مضاف‌الیه



حذف به «قرینه معنوی» در سایر گزینه‌ها:

(۱) به دوستی [سوگند می‌خورم].

(۳) هم جو نقطه به چشم تابناک، گاه پیدا [است] و گاه ناپیدا [است].

(۴) در خود آن به [است] که نیک‌تر نگری / اول آن به [است] که عیب خود گویی.

۱۶ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۲

من (بهاد) - گردن تسلیم (مفعول) + به شمشیر (متمم) + سپردم (فعل)

۱۷ (۳۱) ترکیب: لغت: ۱۳۹ - منبع: ۱۳۶

مفهوم گزینه (۱): بی‌نتیجه بودن درخواست از تهری‌دستان

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: قناعت و مناعت طبع

۱۸ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۲

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): سازگاری و عذارا / پاسخ بدی را با

خوبی دادن

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دعوت به بهره‌مندی

(۳) لذت واصل

(۴) گله از بخت بد و توأم بودن لذت‌ها و سختی‌ها در زندگی

۱۹ (۳۱) ترکیب: لغت: ۱۳۹ - منبع: ۱۳۶

مفهوم گزینه (۱): قرار سپیدن بهار

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: بی‌وفایی و ناپایداری دنیا / تکوین دل بستن به دنیا

۲۰ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۲

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): تقدیرگرایی / ارضی بودن به تقدیر الهی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ضرورت حفظ ایمان / ایمان مایه امتداد و آرامش در آخرت است.

(۲) گوشه‌نشینی موجب رهایی و آرامش است.

(۴) برهیز از هم‌نشینی با بدان

۲۱ (۳۱) ترکیب: لغت: ۱۳۹ - منبع: ۱۳۶

فریدن سرانجام سخاک را شکست داد و او را در گوه دماوند به بند کشید.

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) سرانجام شخصیتی به نام «سرخه» در داستان سیاوش

(۲) سرانجام جمشید

(۳) سرانجام مرداس

۲۲ (۳۱) ترکیب: لغت: ۱۳۹ - منبع: ۱۳۶

مفهوم ابیات گزینه (۳):

الف) لذت رنج عاشقی و عشق‌ورزی به معشوق

ب) عشق، مایه گرفتاری است / رهایی‌یابدیری از عشق

مفهوم سایر بیت‌ها: تحمل دشواری‌های راه عشق، شرط وصال است.

۲۳ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۱۳۶

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): سود و زیان، معیار سنجش دوست

واقعی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) مبتلا شدن به فراق

(۲) زندگی بدون معشوق - بی‌ارزش است

(۴) توصیه به توکل

۲۴ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۱۳۶

مفهوم عبارت سؤال و گزینه (۳): ستایش افتادگی / افتادگی موجب سعادت

و بلندمرتبی می‌شود.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) خوش‌اقبال از بی‌کسی خوار نمی‌شود.

(۲) نگرشی حرص و طمع

(۴) قدرت در ثروت است.

۲۵ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۲

مفهوم گزینه (۱): رهایی از عشق غیرممکن است / ضرورت تسلیم در عشق

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: اشتیاق بی‌حد داشتن برای

رسیدن به محبوب

زبان عربی



مناسب‌ترین پاسخ ترجمه یا مفهوم را از [عربی] یا به عربی مشخص

کن (۲۶-۳۵):

۲۶ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۱۳۶

کلمات کلیدی: نَزَلَ / هو شفاء و رحمة للمؤمنين

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

نَزَلَ نازل می‌کنیم (فعل مضارع به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود)

[ردگزینه‌های (۱) و (۳)]

هو شفاء و رحمة للمؤمنين: برای مؤمنان شفا و رحمت است. [ردگزینه‌های

(۳) و (۴)]

۲۷ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۲

کلمات کلیدی: كان يَتَجَعَّون / أولئك المتفجعون / لاعي في الطلعب

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

كان يَتَجَعَّون: تفویح می‌کردند [ردگزینه (۱)]

أولئك المتفجعون: آن تماشاچیان (هنگام اسم اشاره مثنی یا جمع + اسم

«ال» دار بیاید، اسم اشاره مفرد ترجمه می‌شود) [ردگزینه‌های (۳) و (۴)]

لاعي: بازیکنان [ردگزینه (۴)]

في الملعب: در ورزشگاه [ردگزینه (۱)]

۲۸ (۳۱) لغت: ۱۳۹ - منبع: ۱۳۶

کلمات کلیدی: قد تشاهد / الحيوانات النادرة / غابات

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

قد تشاهد: گاهی می‌بینیم، شاید ببینیم (قد + مضارع = «گاهی» + مضارع

اختیاری یا «شاید» + مضارع التزامی) [ردگزینه‌های (۱) و (۳)]

الحيوانات النادرة: حیوانات کمیاب [ردگزینه‌های (۱) و (۳)]

غابات: جنگل‌ها [ردگزینه (۲)]



۲۹

تکون من ۱۱ ص ۲۱

۱۱۱

کلمات کلیدی: المناطق الرائعة التي / مستنقعات / مياهها / ذات رائحة كريهة
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

المناطق الرائعة التي- مناطق جالبی که [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

مستنقعات- تالابهایی بود که جمله وصفیه در ترجمه حرف ربط «که» می‌گیرد.
[رد سایر گزینه‌ها]

مياهها: آبهایش [رد سایر گزینه‌ها]

ذات رائحة كريهة: دارای بوی بدی [بود] (این عبارت خبر برای «مياهها» آبهایش» می‌باشد و نباید به صورت ترکیب وصفی «آبهای بدبو» یا معرفه «رائحة بد» ترجمه گردد؛ ضمناً در گزینه (۳)، «ذات دارای» در ترجمه لحاظ نشده است. [رد سایر گزینه‌ها]

۳۰

تکون من ۱۱ ص ۲۱

۱۱۱

کلمات کلیدی: هذه ستنٌ جميلةٌ / مكاننا / لما يدخل / ضيف جديد
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

هذه ستنٌ جميلةٌ: این یک سنت زیباست، این سنت زیبایی است «هذه» اسم اشاره نزدیک است و «ستنٌ جميلةٌ» ترکیب وصفی و نکره است. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

مكاننا جایمان [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

لما يدخل: وقتی وارد می‌شود «لما» به معنای «وقتی که» است و نیز «يدخل» فعل مضارع است. [رد سایر گزینه‌ها]
ضيف جديد: میهمانی جدید، یک مهمان جدید (ترکیب وصفی، نکره است نه معرفه). [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۳۱

تکون من ۱۱ ص ۲۱

۱۱۱

کلمات کلیدی: في العاشرة من عمري / كنت أكني / أمشي بدون حذاء
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

في العاشرة من عمري: در ده سالگی از عمرم، در ده سالگی ام. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

كنت أكني: گزیه می‌کردم «کان» به همراه فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. [رد گزینه (۳)]

أمشي بدون حذاء: بدون کفش راه می‌رفتم [رد سایر گزینه‌ها]

۳۲

تکون من ۱۱ ص ۲۱

۱۱۱

کلمات کلیدی: انكسار ضوء الشمس / في قطرات الماء الصغيرة / الموجودة في الجو / عند نزول المطر / يحدث / ظاهرة قوس قزح
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

انكسار ضوء الشمس: شکستن نور خورشید [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

في قطرات الماء الصغيرة: در قطرات کوچک آب «الصغيرة» صفت «قطرات» و معرفه است و در اینجا باید همراه «قطرات» بیاید و بعد از آن «الماء» ترجمه شود. در ضمن در گزینه (۳) واژه «باران» در ترکیب «قطره‌های کوچک آب باران» زائد است. [رد سایر گزینه‌ها]

الموجودة في الجو: موجود در جو [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]



عند نزول المطر: هنگام بارش باران [رد گزینه (۳)]

يحدث: به وجود می‌آورد (فعل مضارع از باب إفعال، و متعدی (گذرا) است). [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

ظاهرة قوس قزح: پدیده قوس قزح را، پدیده رنگین کمان را «ظاهرة قوس قزح» یک ترکیب اضافی بوده و «چون» و «به نام» نیز در ترجمه آن زائد است، ضمناً «ظاهرة ...» نقش مفعول فعل «يحدث» را دارد و در ترجمه همراه «را» ذکر می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۳۳

تکون من ۱۱ ص ۲۱

۱۱۱

[گزینه] درست را مشخص کن:

بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) لا طفلٌ بحرن: هیچ کودکی ناراحت نیست / طعمابه، غذایش / في كل يوم: در هر روز (روزانه)

ترجمه درست: هیچ کودکی برای تهیه غذایش در هر روز (روزانه) ناراحت انگران است.

(۲) عطوفة أمه مهربانی مادرش (ترکیب اضافی است)

ترجمه درست: زیرا او همیشه به مهربانی مادرش ایمان دارد.

(۳) كنت أمنت: ایمان آورده بودم (ماضی بعید) / رتي: پیرودارم

ترجمه درست: ای کاش من مانند آن کودک به پیرودارم ایمان آورده بودم.

۳۴

تکون من ۱۱ ص ۲۱

۱۱۱

[گزینه] نادرست را مشخص کن:

به «الكلام» ضمیری متصل نشده است، «الكلام: سخن گفتن»

ترجمه درست: هرکس پیش از سخن گفتن اندیشه کند، خطایش کم می‌شود.

۳۵

تکون من ۱۱ ص ۲۱

۱۱۱

بررسی سایر گزینه‌ها

ير عقل ما برای: علی عقلاً ل «عقل» مفرد است و معادل «بر» حرف جر «علی» و معادل «برای» حرف جر «ل» است. [رد سایر گزینه‌ها]

ذری: بانا (مفرد و نکره است). [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

باز نكن: لا تفتح (معادل «باز نكن»، «لا تفتح» است) [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

سخت می‌شود: تصبح صعبة [رد سایر گزینه‌ها]

ستن زیر را بخوان، سپس به سوالات (۳۶-۴۲) با آنچه که مناسب متن است، پاسخ بده:
ترجمه درک مطلب:

تمتلي قصص الأطفال القديمة (داستان‌ها) فمسي كودكان بر است) بالحوادث التي يكون الذئب أحد أبطالها. (از موهبتی که گرگ یکی از فرستاش می‌باشد) و قد أصبح الإنسان و الذئب عدوين أو لسان و كرك دو دشمن شده‌اند) بیغض الواحد الآخر. (اگر یکی است - دیگری کینه دارد) و أما من معيّنات الذئب (از درزگی‌های گرگ) فسرعته في الحركة. (بسی سرعت او در حرکت است) فالغزال على الزئيم من سرعته الفالقة (بسی آهسته و پیوسته سرعت بالایی) لکنه یدرکه اللعاب، (این او حس می‌شود) و اما الذئب فيحافظ على معتدل سرعته دون تعبد، (از آن‌ها گرگ سالکی سرعتی را بدون خشکی حفظ می‌کند) ممّا يمكنه



۶۲ | ۱۲۱ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

با توجه به کلمه «یومئذ»، آیه «در آن روز به آسان خبر داده می‌شود، به آن چه پیش از مرگ» فرستاده و آن چه پس از مرگ» فرستاده است. ناظر بر عالم قیامت است. آثار مآثر بدان معناست که با این‌که فرد از دنیا رفته، پرونده عملش همچنان گشوده است.

۶۸ | ۱۲۲ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

در قرون وسطی اروپاییان معتقد بودند که زن حق مالکیت ندارد و باید نام خانوادگی وی به نام خانوادگی شوهر تغییر یابد. این تغییر نام، هنوز هم در اروپا رایج است.

با این‌که بسیاری از کشیشان و روحانیان از پیشگامان تحول بودند، اما سرسختی رهبران اصلی کلیسا در مقابل نظریات جدید (علم)، سبب پیدایش این عقیده شد که دین با خردورزی و علم مخالف است (معلول).

دلیل نادرستی گزینه‌های (۱) و (۳): کفر تلقی شدن مخالفت با عقاید رهبران کلیسا در مورد موضوعات علمی، نشانه کم‌توجهی به عقل و عقلانیت بود، نه مخالفت دین با خردورزی.

۶۹ | ۱۲۳ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

صفات ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه ریشه‌های نهالی هستند که در ابتدا نفوذ کمی در خاک دارد، اما هر قدر زمان می‌گذرد، نفوذ آن بیشتر می‌شود و قوی‌تر می‌گردد تا جایی که کندن آن درخت بسیار سخت می‌شود. بهترین زمان برای توبه، دوره‌ای است که امکان توبه بیشتر و انجام آن آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس باید به این نکته توجه کنیم که دوره جوانی دوره لغت‌پذیری، تحول و دگرگونی است؛ پس بهترین زمان برای توبه، دوره جوانی است.

۷۰ | ۱۲۴ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

یکی دیگر از برنامه‌های مهم و از عناصر اصلی برنامه پیامبر برای ساختن جامعه اسلامی، ارتقای جایگاه خانواده به‌عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌ها و مانع اصلی فساد و شاهی بود و اهل بیت(ع) به دیگر مؤمنین آموختند که توجه به مقام و منزلت زن، به معنی بی‌بندوباری، نگاه ابزاری به او و متزلزل ساختن بنیان خانواده نیست.

۷۱ | ۱۲۵ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

با توجه به سخن پیامبر اکرم(ص) که فرمود: «کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است، پس باید برای نصف دیگر از خدا پروا داشته باشد». توصیه پیامبر(ص) برای حفظ دین، ازدواج کردن و پروا از خداوند است.

۷۲ | ۱۲۶ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

پیشوایان ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار گذاشتن رسوم غلط، شرایط لازم را برای آنان فراهم کنند و به خاطر پندارهای باطل هم‌چون فراهم شدن همه امکانات زندگی، فرزندان خود را به گناه نکشاند و جامعه را گرفتار اسبب سازند تاخیر در ازدواج سبب افزایش فشارهای روحی و روانی، رولط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

زهتری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر به‌تاجاز تسلیم شد و به‌ظاهر اعلام مسلمانی کرد. معاویه، پسر او در سال چهارم هجری با بهره‌گیری از ضعف و سستی یاران امام حسن(ع)، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا(ص) را به سلطنت تبدیل کرد.

۶۲ | ۱۲۱ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

پیامبر اکرم(ص)، بر مخطایی ضمن معرفی همه انسانان، درباره امام عصر(عج) می‌فرماید: «هر کس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر(عج) را بپذیرد». هم‌چنین ایشان فرمود: «خوشا به حال کسی که به حضور قائم برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد».

۶۳ | ۱۲۲ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

امام زمان(عج) در جامعه حضور دارد [نادرستی گزینه‌های (۲) و (۳)]. اما لازمه ظهور ایشان، تحول و تغییر عموم افراد جامعه است. یعنی تغییر جمعی جامعه، موجب تغییر سرنوشت آن‌ها، از جمعه ظهور ولی الهی می‌گردد. این مفهوم در آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ لَكُمْ شَعِيرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَي قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» «خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن‌ها، خود وضع خود را تغییر دهند» نهفته است. طریق این آیه تغییر سنت‌های بشری نیز غلط است [رد گزینه (۴)].

۶۴ | ۱۲۳ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

بهراسیدن از مرگ سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد.

۶۵ | ۱۲۴ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

استعدادهای و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما انسان‌ها قرارداده است، مؤید ضرورت معاد در برتو حکمت الهی است؛ زیرا اساس آفرینش انسان و جهان عبث و بی‌هدف نیست. [قسمت اول همه گزینه‌ها درست است].

قرآن برای اینکه قدرت خداوند را به‌صورت محسوس‌تری نشان دهد، داستان عزیر تنی(ع) را ذکر می‌کند که مؤید نمونه‌هایی از زنده‌شدن مردگان است. قرآن کریم در آیات سوم و چهارم قیامت خطاب به کسانی که به انکار معاد می‌پردازند می‌گوید: «نه تنها استخوان‌های آن‌ها را به حالت اول درمی‌آوریم بلکه سرانگشتان آن‌ها را نیز همان گونه‌که بوده مجدداً خلق می‌کنیم» این آیه به اثبات قدرت الهی در خلق سرانگشتان انسان در قیامت اشاره دارد.

۶۶ | ۱۲۵ | ۱۵۰۰ و ۱۵۰۱ هجری قمری - ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی

باسخ قطعی خداوند در رستخیز به کسانی که از خدا درخواست بازگشت به دنیا را دارند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما ضر ندادیم تا هر کس می‌خواست به راه راست آید؟ ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را در پیش می‌گیرید. زمانی که جهنمیان به نگاهبانان جهنم روی می‌آورند تا آن‌ها برایشان از خداوند تخطیی بگیرند، فرشتگان می‌گویند: «مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟»





سراسری ریاضی ۹۶



بررسی سایر گزینه‌ها

- (۱) ایهام: بو - ۱- رایحه - ۲- آرزو، امید
کنایه: هواخواه کسی بودن کنایه از موافق و طرفدار او بودن / بو به دماغ رسیدن
کنایه از تشابه‌ای را از چیزی دریافت کردن
- (۲) ایهام: شیرین - ۱- معشوق فرهاد - ۲- نوعی مژه
کنایه: لاله از خون دیده، دمیدن کنایه از بسیار گریستن
- (۳) ایهام: قلب: ۱- میانه سپاه - ۲- دل
کنایه: خیال یختن کنایه از آرزوی چیزی را در ذهن پیوراندن

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

بررسی آرایه‌های گزینه (۴):

- استعاره: نسبت دادن گوش مالی به عشق تشخیصی و استعاره است
کنایه: گوش کسی را مالیدن کنایه از او را تشبیه کردن
جناس: زیر، زار
واج‌ارایی: تکرار صامت «ر» (۶ بار) و تکرار صامت «ز» (۴ بار در مضارع ازل)

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

بررسی آرایه‌های گزینه (۱):

- افراق (بیت «ح»): این که روز و شب در سیمای معشوقی محو باشند
تضاد (بیت «د»): مالی ≠ فانی
تشبیه (بیت «ب»): جام لاله / شبنم به راح / ابر نیسانی به ساقی
ایهام (بیت «الف»): قانون: ۱- قاعده - ۲- کتابی از ابن سینا

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

- واژه‌های متضاد: پرسش ≠ جواب / سر به زیر افکنده بودن ≠ سر بالا بودن
(زیر ≠ بالا) / شیرین ≠ تلخ

بررسی سایر گزینه‌ها

- (۱) شکر ≠ زهر / وصل ≠ جدایی
(۲) درد ≠ درمان / زخم ≠ مرهم
(۳) هستی ≠ مرگ

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

بررسی افعال:

- می‌گردند: ماضی استمراری / می‌گردند: ماضی نقلی
می‌گذرانی: مضارع اخباری / توک گویی: مضارع التزامی



زبان و ادبیات فارسی

۱- ۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

معنی درست واژه‌ها: عنگر: ناپسند، نکوهش شده / غضب: خشم، قهر / ضیعت: زمین زراعتی / مخدول: خوار، زبون گردیده

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

معنی درست واژه‌ها: عتاب: خشم گرفتن، غضب، ملامت / مسامحه: آسان گرفتن، سادانگاری / تشنید: شکارگاه

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

معنی درست واژه‌ها: ناورد: مبارزه نبود، جنگ / ازغند: خشمگین و قهرآلود / آزر: شرم، حیا / حسین: پیشانی

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

بررسی سایر گزینه‌ها

- (۱) سلاح: جنگ افزار
(۲) حطام: مال دنیا، پاره و شکسته از چیزی خشک
(۳) هایل: ترسناک، وحشت‌آور

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

املائی درست واژه در سایر گزینه‌ها:

- (۱) غایت (۲) گزاف (۳) موسم

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

بررسی سایر گزینه‌ها

- (۱) مأمور (۲) اهتمام (۳) طیلان

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

بررسی آثار:

- از یاریز تا یاریس: محمدابراهیم ناستانی یاریزی
اسرارالتوحید: محمدرضا منتظر
اسرارنامه: عطار
بخارای من لیل من: محمد بهمن بیگی

۹۶-۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴، ۱۰۰ فصل ۱۰، بیت ۳ و ۴

ایهام:

- کنایه: طمع بریدن کنایه از ناصب شدن / عنان به کف کسی دادن کنایه از اختیار را به او واگذار کردن



۱۸ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): لذت بخشی آرایش بعد از غلبه بر دشمن مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) لذت خور معشوق
- (۲) برهیز از دوستی با غرض ورزان و بدخواهان / ضرورت دقت در انتخاب دوست
- (۳) فریب ظاهر را نخوردن

۱۹ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): تغییر شرایط مطلوب به نامطلوب / ترقی معکوس

- مفهوم سایر گزینه‌ها:
- (۱) دست‌لبافتی بودن معشوق
- (۲) فراگیری ظلم و خفغان
- (۳) توأم بودن لذت و رنج در جهان

۲۰ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

مفهوم مشترک ابیات گزینه (۲): استغنا و فقر اختیاری مفهوم سایر بیت‌ها:

- (ب) طلب عنایت و بخشش از خداوند
- (ج) ارزشمندی هم‌نشینی با مردان حق / کمال بخشی مصاحبت با عارفان

۲۱ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

مفهوم گزینه (۳): تنها هدف زندگی بر جا گذاشتن نام نیک است مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: خود آنکایی / ترجیح فضل و هنر بر گوهر و اصالت نژادی

۲۲ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

در گزینه (۱) زمینه داستانی (و به‌طور ضمنی خرق عادت) برجسته است. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) زمینه ملی: اشاره به رسم تاج‌گذاری و کلاه‌داری
- (۳) زمینه علمی: اشاره به رسم شادباش ریختن در پای بزرگان
- (۴) زمینه ملی: اشاره به رسم بهود برهن از اخترشناسان در دربار و سیاس پذیرفته

۲۳ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): سکوت کردن و ارزشمندی سخن گفتن شاعر

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) ارزشمندی خاموشی (۲) ارزشمندی خاموشی (۳) تمایل به سختی

۲۴ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: باز شدن غنچه و توصیف بهار / تصویر فرارسیدن به مفهوم گزینه (۲): سر کلید گام‌یابی است

مفهوم گزینه (۱): شرط تکامل، ترک وجود مادی است. مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: بازگشت به اصل

۱۳ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

ای مرغ دل که خسته و بی‌تلی (معطوف) / دمساز باش با هم او دمساز (تکرار) بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) عاشقم، عاشق (تکرار) ستاره صبح / عاشق (تکرار) ابرهای سرگردان (ایته مناسب است تکرار را تنها در محدوده یک جمله بررسی کنیم)
- (۲) آتش زلم به خرمن آئیند / با شعله‌های حسرت و ناگاسی (معطوف)
- (۳) اکتون منم که در دل این خلوت و سکوت (معطوف) / ای شهر پرخروش، تو را یاد می‌کنم

در گزینه (۴) هم، در شعر فروغ فرخزاد واژه «حل» قبل از «این» از اصل سؤال کنکور جا افتاده است!

۱۴ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

بررسی جمله‌ها:

- نام تو به نکویی و مرحمت شده [تو] سیل شمار (→ میدان)
- آن [بهشت] نقد باشد
- اگر شهیدان خون سیل را گلگونه غذار تو کنند (=گرداند)

۱۵ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

در حقیقت، در همه گزینه‌ها حذف به قرینه وجود دارد و گزینه (۱) تنها به این دلیل انتخاب شده که ملزاج سؤال، واژه «خود» را به غلط، «مفعول» جمله تصور کرده است، درحالی که «خود» بدل است و مفعول جمله به قرینه حذف شده.

حذف به قرینه معنوی در گزینه‌ها:

- (۱) تو خود، [خویشتر را] در اینه بین
- (۲) فروغ رای تو مصاح راه‌های مخوف [است] / عنان عزم تو مفتاح ملک‌های
- (۳) لیر رحمت سال و ماه، بر تو باران (بازنده) [است] روح راحت بر روان والدین [است]
- (۴) بخت را با دوستانت اتفاق [است] / چرخ را با دشمنان حرب حنین [است]

۱۶ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

چشم من / پای اشک / چشم تو / زور خنده / آشنای اشک / رشته - اشک / رنگ صفحه / صفحه تقویم / رخسار - م / رشته‌های اشک (۱۰ ترکیب اضافی)

مفهوم بیت «الف»: سزای بی‌تمری نابودی است. مفهوم بیت «ب»: عاقبت لمر داشتن نابودی است. مفهوم سایر بیت‌ها:

- (ج) ارزشمندی سفر / دعوت به یویایی
- (د) ارزشمندی دانش / دانش موجب رهایی و نجات است

۱۷ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

مفهوم بیت «الف»: سزای بی‌تمری نابودی است. مفهوم بیت «ب»: عاقبت لمر داشتن نابودی است. مفهوم سایر بیت‌ها:

- (ج) ارزشمندی سفر / دعوت به یویایی
- (د) ارزشمندی دانش / دانش موجب رهایی و نجات است

۱۸ (۲۲) قلمبر ۱۱۱ - ۱۱۲ قلمبر ۱۱۱

مفهوم گزینه (۱): شرط تکامل، ترک وجود مادی است. مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: بازگشت به اصل





۳۵ | ترکیب معنی ۱۱۱ معنی ۱۱۱ معنی ۱۱۱

۱۱۱ معنی ۱۱۱

[گزینه] درست را مشخص کن:

پرسی سایر گزینه‌ها

درباره بخارا (در عبارت فارسی نگفته «مانند دریا باش» پس در عبارت عربی «لشد» نباید بیاید) [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]
سنگی - خجرا (نکره است) [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

توجه: «غرق شود» یعنی «غرق» چون جواب شرط است، تعریب به هر دو شکل درست است.

متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات (۳۶-۴۲) با آنچه که مناسب متن است، پاسخ بده:

ترجمه درک مطلب:

ترجمه

إِنَّ كَثِيرًا مِمَّا أَحَدًا سَيَأْتِي لِمَا لَا يَدْرِيهِ أَنْ لِلْعَمَلِ عَمْرًا أَدْرِكُ مِنْ كَيْفِ كَلِمَةٍ
مَرِي لَهَا لَا يَدْرِي أَنْ يَقْضِيهِ حَتَّى يَنْضَجَ أَكْرَمًا يَأْتِي لِمَا لَا يَدْرِيهِ أَنْ سَيَرَى شَوْدًا
[معه آن] رسد) إِنَّ تَاجِرًا يَتَوَقَّعُ الرَّيْحَ أَحَدًا نَارًا تَوْفَعُ سَوْدًا فِي الْيَوْمِ الْتَالِيِ
يَنْضَجُ مَتَجَرَّةً، أَدْرِكُ مَعَهُ رَأْسَ كَسْبِ مَلَا مَشَا، وَ مَوْظِفَتَا وَ شَابَتَا وَ - كَذَلِكَ
(ادگرست ما و حوال ما و - این کتب است) فَتَحْنُ بِحَاجَةٍ فِي حَيَاتِنَا إِلَى نَصِيحَةِ
ذَلِكَ الْحَكِيمِ الَّذِي قَالَ: إِيْسَ مَا دَرَدَكِي مَالٍ - حَسْبَتْ أَنْ كَيْسِي (خرمندی) بِلَا
دَرَمِ كَمَا كَفْتَا لَوْ أَيْسِي حَيْلًا نَمَّ أَوْتَلَدَ عَمَلِي إِيْكَرْ كَوَيْسِي رَا مَا كَمِ سَيْسِي كَلِمًا رَا
رَهَا كَسْمًا قَبْلَ أَنْ أَضَعَ الْحَجَرَ الْأَخِيرَ فِي قَمْتِهِ (قبل از این که سنگ آخر را در قفا
آن قرار دهم) لَحَسِبْتُ نَفْسِي قَانِبِلًا (خودم را شکست خورده - حساب می آورم)
فَكَيْفَ بِنَا إِيْسَ حَالًا مَا يَكْرَهُ اسْتَا وَ نَحْرًا نَتَوَقَّعُ تَحَقُّقَ أُمُورِ أَدْرَعَالِي كَمَا حَسْبُ
شَدَن كَارِهَائِي رَا تَوْفَعُ دَرَمِ لَمْ نَحْكَمْ أَسَاسِيهَا إِيْكَرْ بَادَ أَنْ هَا رَا نَحْكَمْ كَرَمَائِي لَقَدْ
سَأَلُوا أَخَذَ الْحَكَمَاءَ (بله از یکی از کسان پرسیدند) عَنِ عَوَامِلِ التَّجَاحِ (درباره عوامل
سوقیت) فَقَالَ: الْمَثَابَةُ الْمَثَابَةُ الْمَثَابَةُ إِيْسَ كَفْتَا يَابَدَارِي يَابَدَارِي يَابَدَارِي
فَإِنَّهَا أَهْمِيَا وَ التَّشْوِيقُ لَا يَنْفَعُ إِلَّا مَعَهَا، إِيْسَ أَنْ مِمَّ بَرَسَ أَنْ حَسْبَتْ وَ سَوَّعَ سَوَّعَ
سَرَسَانِدْ مَرَهَلَا بَا أَرَا، فَإِنَّهَا إِذَا لَمْ تَكُنْ (مگر آن نباشد) فَالتَّشْوِيقُ يُعْتَبَرُ كَقَدْرَةٍ
فِي دَاخِلِ الْحِرِّ، إِيْسَ بَرُوغٌ مَالِدٌ مَرَوَارِدِي فَرَسُونِ دَرَا بِشَمَارِي أَحَدًا لَا تَصِلُ إِلَيْهَا
بِدَ إِيْكَرْ دَسْتِي - بَا آن در رسد) وَ لَا يَنْتَفِعُ بِهَا إِسْلَانُ (دانشی از آن سود نمی برد)

معنای کلمات مهم این متن:

- لا يَدْرِي أَنْ يَقْضِيهِ: به ناچار باید بگذرد (سببی شود)

- ۱- حَتَّى يَنْضَجَ: تا برسد
- ۲- التَّجَرُّ: مغازه، دکان
- ۳- الرَّيْحُ: سود
- ۴- أَيْسِي: بسیار (می بسازد)، بنا کنم
- ۵- مَوْظِفَتَا: کارمند
- ۶- الْأَخِيرَ: آخر
- ۷- أَنْ أَضَعَ: که قرار دهم
- ۸- قَمْتَهُ: قله
- ۹- قَانِبِلًا: شکست خورده
- ۱۰- الْمَثَابَةُ: پایداری
- ۱۱- التَّشْوِيقُ: تبویغ
- ۱۲- يُعْتَبَرُ: به شمار می آید
- ۱۳- مَرَهَلًا: ذره، مبروارید
- ۱۴- لَا يَنْفَعُ: سود نمی رساند
- ۱۵- لَا يَنْتَفِعُ: سود نمی برد



۳۶ | ترجمه درک مطلب

۱۱۱ معنی ۱۱۱

[گزینه] درست را برای جای خالی مشخص کن: موضوعی که در متن نیامده است این است _____ زبان.

ترجمه گزینه‌ها

۱) علت ۲) حیران ۳) محقق شدن ۴) موضوع

توضیح: در متن درباره «حیران خسارت» هیچ صحبتی نشده است.

۳۷ | ترجمه درک مطلب

۱۱۱ معنی ۱۱۱

[گزینه] مناسب را برای مفهوم متن مشخص کن:

ترجمه گزینه‌ها

- ۱) پیروزی یا عجز باعث شکست می شود.
 - ۲) رسیدن به عزت در دست یافتن به فرصت‌هاست.
 - ۳) هرکس بزرگی را همراه با راحتی نخواهد در بدی می آید.
 - ۴) گاهی تلاش انجام می دهد، آنچه را که تنبلی انجام نمی دهد.
- توضیح: با توجه به خط اول متن که گفته شد عمری باید بگذرد تا کاری برسد، پس با شتاب نباید کار کرد.

۳۸ | ترجمه درک مطلب

۱۱۱ معنی ۱۱۱

منظور حکیم از سختش «اگر کوهی را نتوانم ... چیست؟»

ترجمه گزینه‌ها

- ۱) کارها با تمام کردن آن
 - ۲) کارگر کسی است که آخرین [کار] را انجام دهد.
 - ۳) کار از سازنده آن خبر می دهد.
 - ۴) کارها به بالاترین و پایین‌ترین آن‌ها.
- توضیح: با توجه به سخن حکیم، باید سازنده انسانی کوشا باشد که تا پایان کار، کار را تا آخر تمام کند.

۳۹ | ترجمه درک مطلب

۱۱۱ معنی ۱۱۱

[گزینه] درست را مشخص کن:

ترجمه گزینه‌ها

- ۱) از علت‌های موفقیت تنها پایداری است.
 - ۲) تاجر نباید به سود در کارش فکر کند.
 - ۳) پختگی کارها با بسیار برداختن به آن‌ها بدون احساس خستگی محقق می گردد.
 - ۴) در زندگی ما شایع است که ما جنگ برزیم نه ظواهر کارها بدون این که به بهبودی (بهبود بخشیدن) آن‌ها آگاه باشیم.
- توضیح: با توجه به متن، «پایداری» یکی از مهم‌ترین عوامل کسب موفقیت است و تنها عامل آن نمی باشد. همچنین در متن اشاره‌ای به این موضوع نشده که تاجر در پی کسب سود نباشد، بلکه او را تشویق به تحکیم پایه‌های کارش نموده است. ضمناً مداومت و پایداری در انجام کارها به معنای افراط در انجام آن نیست، همچنان که در گزینه (۳) ذکر شده است.



۶۸ (۱۱) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

موارد (الف) و (ب) صحیح‌اند. آیه اول مقایسه دنیا و آخرت است و این مضمون در عبارات قرآنی «لَهُمْ وَ لَعْنٌ لَهُمْ» و «لَهُنَّ الْحَيَاةُ» مشهود است و خاستگاه اعتقاد کافران به اینکه فقط زندگی محدود به دنیاست و فقط ما را روزگار نابود می‌کند، عدم علم و از روی ظن و گمان بیان شده است. «عَا لِهْم بِذَلَّتْ مِنْ جِلْمِ اِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّوْنَ» «الیه این سخن را از روی علم نمی‌گویند، بلکه فقط ظن و خیال آنان است» دقت شود در مورد (ج) به جای واژه مشبوع، باید تابع به معنای معلول باشد و در مورد (د) این حدیث درباره کافران سخن نمی‌گوید.

۶۹ (۱۲) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

با توجه به آیه شریفه «حَتَّىٰ اِذَا جَاءَ اَحْذَبَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعْنِي لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ...» «آن‌گونه که مرگ یکی از آن‌ها [کافران] فرا رسد می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید باشد که عمل صالح انجام دهم» علاقه‌مندی کافران به بازگشت به دنیا پس از مرگ برداشت می‌شود و علت آن این است که بعد از مرگ اموری را درک و مشاهده می‌کند که درک آن در دنیا ممکن نبود.

۷۰ (۱۳) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

آیه مربوط به شهادت فرشتگان الهی «وَ اِنْ عَلَيْنَا لَحَاقِلَيْنِ كِرَامًا كَانِیْنِیْنَ نَعْلَمُوْنَ مَا تَفْعَلُوْنَ» «بی‌گمان برای شما نغمه‌هایی هستند، نویسندگانی گران قدر، می‌دانند آنچه را که انجام می‌دهید» است که با کلیدواژه «تَعْلَمُوْنَ» می‌توان به دانایی فرشتگان به اعمال انسان پی برد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) مربوط به شهادت اعضای بدن علیه انسان بذکار است.
- ۲) مربوط به زندگی حقیقی آخرت است.
- ۳) مربوط به آثار نماز و علم الهی بر اعمال انسان است.

۷۱ (۱۴) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

برخی پنداشته‌اند (تصور نادرست) که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی ورای قانون‌مندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند. درحالی‌که بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید. فرو ریختن دیوار کج یک قضای الهی است (مقتضی به قضای الهی) اما این قضا متناسب با بزرگی و تقدیر خاصی آن دیوار، یعنی کجی آن است.

۷۲ (۱۵) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

انسان مؤخذ موجودات جهان را مخلوق خداوند می‌بیند و می‌داند که خداوند او را در برابرشان مسئول قرار داده است. این موضوع، اشاره به توحید عقلی در بُعد فردی دارد که آیه «اَرَأَيْتَ خَلْقَ الْاِنْفِثِ هَوَاةَ» «آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را معبود خود گرفت؟»، به عراعات نکردن این مرتبه از توحید که به شرک عقلی در بُعد فردی می‌انجامد، اشاره دارد.

۷۳ (۱۶) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

گرایش به پرستش خداوند، یک پیمان فطری است که برخی از انسان‌ها آن را نادیده گرفته‌اند و یادآوری این عهد و پیمان در آیه شریفه «اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ

یا بیتی اتم ان لا تعبدوا الشيطان اِنَّه لَكُمْ شَدُوٌّ مُّبِينٌ وَ اِنْ اَعْبَدْتُوْنِیْ هَذَا مِرْبَاطٌ شَتَقْتُمْ» «ای فرزندان آدم، آیا از شما پیمان نگرفته بودم که شیطان را نپرستید که او دشمن آشکار شماست؟ و اینکه مرا پرستید [که] این راه مستقیم است؟» آمده است.

۷۴ (۱۷) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

خداوند مهم‌ترین فایده روزه را «تقوا» معرفی می‌کند، آن‌جا که می‌فرماید: «يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الشِّيْءُ كَمَا كُتِبَ عَلٰى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرّر شده است. همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرّر شده بود، باشد که تقوا پیشه کنید.»

۷۵ (۱۸) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و... به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با نپاخم فرهنگی و ابتذال اخلاقی، از تضاد مهم عمل صالح و از واجبات کفایی است و استفاده از موسیقی، خواه سنتی و کلاسیک باشد و خواه غیرسنتی و مدرن، جایز و حلال است.

زبان انگلیسی

۷۶ (۱۹) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

مدیر فابلی را که به ایمل ضمیمه شده بود با دقت خواند، اما قادر نبود متوجه شود آن تماماً به چه معنی بود.

توضیح: عبارت آغاز شده در جای خالی در مورد اسم file (فایل) اطلاعات بیشتری ارائه می‌دهد؛ بنابراین در ابتدای گزینه صحیح به ضمیر موصولی در این مورد (which) نیاز داریم. دقت کنید که فعل attach (ضمیمه کردن، پیوست کردن) در اینجا متعدی است و چون مفعول آن (ضمیمه which) که به file اشاره دارد) پیش از آن قرار گرفته است، این فعل را به صورت مجهول نیاز داریم.

۷۷ (۲۰) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

من آن توپ پلاستیکی آبی بزرگ زیبا را [که] عمومی در تولدم به من داد، واقعاً دوست داشتم.

توضیح: با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینه (۲) صحیح است.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت اندازه + صفت کیفیت + معرف

That beautiful big blue plastic ball

اسم صفت ملیت صفت رنگ صفت اندازه صفت کیفیت معرف
توپ بزرگ آبی

۷۸ (۲۱) ۱۵۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰ - ۳۰۰۰ لغت‌نامه ۱۳۹۰

برای همسایه‌های پنج‌گانه‌ی ما ببالد ما رنگ زده بودیم.

توضیح: در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل در این مورد had called و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم. البته در این تست، would know در جایگاه زمان گذشته ساده قرار گرفته است.



۸۸ (۱۲) آگوست ۲۰۱۳، ص ۳ (۱۳۵۰۰) **توضیح:** در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده باشند، برای اشاره به عملی که اول انجام شده از زمان گذشته کامل (pp+ had) استفاده می‌شود.

۸۹ (۱۱) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) **توضیح:** با توجه به وجود ضمیر موصولی where بعد از جای خالی و همین‌طور با در نظر گرفتن مفهوم جمله، در این جا گزینه (۱) کامل کننده جمله خواهد بود.

۹۰ (۱۲) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) (۱) بر منای (۲) علاقه‌مند به (۳) مطمئن در مورد (۴) خجالت‌زده از، شرمنده از

۹۱ (۱۱) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) (۱) گرچه، اگرچه، هر چند (۲) مگر این‌که (۳) آیا، که آیا (۴) از وقتی که، چون (که)

۹۲ (۱۲) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) (۱) بهبود یافتن، بهتر کردن (۲) اطلاع دادن به، مطلع کردن (۳) ماندن، باقی ماندن (۴) تعمیم دادن، عمومیت بخشیدن

بروتین نقش بسیار مهمی را در برنامه سلامت، زیبایی و ضد پیری موفق ایفا می‌کند. آن ماده ابتدایی حیات است در واقع. کلمه پروتئین از یک لغت یونانی باستانی به معنی «دارای اهمیت اولیه» ریشه می‌گیرد. بدن بدون آن نمی‌تواند رشد یا کار کند. در حالی که پروتئین هضم می‌شود، به اسیدهای آمینه تجزیه می‌شود که سپس توسط سلول‌ها برای ترمیم خودشان استفاده می‌گردد. از آن جایی که بدن انسان، تنها می‌تواند ۱۱ تا از ۲۰ اسید آمینه‌ای را که برای حیات ضروری هستند، تولید کند، ۹ [مورد] باقی مانده باید از طریق مصرف پروتئین خوراکی تأمین شود. بدن‌های ما بدون پروتئین کافی وارد حالت پیری زودرس می‌شود. عضله‌ها، اندام‌ها، استخوان‌ها، غضروف، پوست و پادتن‌هایی که از ما در برابر بیماری‌ها محافظت می‌کنند، همگی از پروتئین تشکیل می‌شوند. حتی آنزیم‌هایی که در واکنش‌های شیمیایی ضروری در بدن - از هضم غذا گرفته تا ساخت سلول‌ها - شرکت می‌کنند، از پروتئین درست می‌شوند. اگر سلول‌های شما، دسترسی کامل به تمام اسیدهای آمینه ضروری را نداشته باشند، ترمیم سلولی ناقص و همچنین بسیار کندتر خواهد بود. توجه به این که نکته ضروری است که پروتئین قابل ذخیره شدن در بدن‌های ما نیست؛ از این‌رو، ما برای سلامت مطلوب و ترمیم سلولی، باید در هر وعده غذایی، منبع خوبی از پروتئین با کیفیت داشته باشیم.

۹۳ (۱۱) ژانویه ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) متن عمدتاً در مورد چه جنبه‌ای از پروتئین بحث می‌کند؟ (۱) کاری که آن انجام می‌دهد (۲) آن چیزی که از آن تشکیل شده است (۳) [این‌که] آن چگونه تولید می‌شود (۴) [این‌که] آن را کجا می‌توان یافت

۸۲ (۱۲) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) متن‌آفانه ما الان در جامعی زندگی می‌کنیم که موفقیت را عمدتاً با توجه به چیزهای مادی که داریم، در نظر می‌گیرد.

(۱) به شدت خیلی (۲) اساساً، عمدتاً (۳) به لحاظ جسمانی (۴) سابقاً، پیش از این

۸۳ (۱۲) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) آن دختر جوان، در حال ارزیابی امکان یافتن یک شغل مناسب برای خودش در یک شرکت خارجی با درآمد مناسب است.

(۱) پیشنهاد کردن، اشاره کردن (۲) مقایسه کردن، سنجیدن (۳) وزن کردن، ارزیابی کردن (۴) آماده کردن، مهیا کردن

۸۴ (۱۲) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) بچه‌ها نجات یافتند، اما آتش خانه‌شان را ویران کرد.

(۱) گرفتن، رسیدن به (۲) زنج بردن، درد کشیدن (۳) تخریب کردن، ویران کردن (۴) گاهی دادن، گاهی بلقین

۸۵ (۱۲) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) تلاش آن خاتم برای کسب تحصیلات کالج، بخشی از تلاش او برای حمایت مالی بهتر از بچه‌هایش است.

(۱) موضوع، سوز (۲) گوشش، سعی، تلاش، اقدام (۳) کارکرد، عملکرد (۴) فشار

۸۶ (۱۱) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) از دست تو خسته شده‌ام؛ لطفاً در مورد چیزهایی که مایل تیشی سخت کار کنی تا [آن‌ها را] تغییر دهی، گلابه نکن.

(۱) مایل، مشتاق (۲) اجتماعی (۳) خاص، ویژه (۴) مسئول

۸۷ (۱۲) آگوست ۲۰۱۳، ص ۲ (۱۳۵۰۰) بلافاصله بعد از این‌که به پاریس رسیدیم، هتل را ترک کردیم تا گشتن در شهر را شروع کنیم.

(۱) دانماً، (به‌طور) پیوسته (۲) به‌ویژه، به‌خصوصی (۳) در واقع، در حقیقت (۴) فوراً، بی‌درنگ

گاليله در ۱۵ فوریه [سال] ۱۵۶۴، در پیزا [در] توسکانی متولد شد پدرش، وینچنزو گاليله، موسیقی‌دانی بود که به پیشرفت تئوری و عملی موسیقی کمک کرد. خانواده در اوایل دهه ۱۵۷۰ به فلورانس نقل مکان کردند، جایی که خانواده گاليله قبلاً برای سال‌ها زندگی کرده بودند. گاليله در اواسط دوران نوجوانی‌اش در والومبروسا، نزدیک فلورانس، حضور یافت و سپس در [سال] ۱۵۸۱ به دانشگاه پیزا رفت، دانشگاهی که قرار بود در آن پزشکی بخواند با وجود این، او به ریاضیات علاقه‌مند شد و تصمیم گرفت مباحث ریاضی و فلسفه را به حرفه‌اش تبدیل کند. هرچند پدرش از او می‌خواست که این کار را نکند گاليله سپس شروع به آماده کردن خودش برای تدریس فلسفه ارسطویی و ریاضیات نمود و چندین [مورد] از سخنرانی‌های کلاسی او تا امروز باقی‌مانده‌اند گاليله در [سال] ۱۵۸۵، دانشگاه را بدون کسب مدرک ترک کرد و به مدت چند سال، در فلورانس و سینا، در مباحث ریاضی، [به‌صورت] خصوصی تدریس می‌داد.





۲۲ ۲۲ ترجمه: مهرداد ابراهیم، ۱۳۱ و ۱۳۲ صفحه ۱۳۱

کلمات کلیدی: قد عرفوا / بأخلاقهم الکریمه / لم یضیعوا / عمرهم / توصلوا إلى / حقیقه الحیاة

مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

قد عرفوا: شناخته شده‌اند (اولاً: ترکیب «قد + فعل ماضی» معمولاً معادل «ماضی نقلی» در فارسی است. ثانیاً: «عرفوا» یک فعل مجهول از صیغه «للمخاطبین» است.) [رد سایر گزینه‌ها]

بأخلاقهم الکریمه: به اخلاق کریمه‌شان، به اخلاق کریمه خود (خویش). (این ترکیب نقش مفعولی ندارد و نباید به همراه «را» ترجمه شود.) [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]
لم یضیعوا: ضایع نگرداند، تیه نگرداند، از بین نبرداند (اولاً: ترکیب «لم + فعل مضارع» معادل «ماضی ساده منقی» یا «ماضی نقلی منقی» است. ثانیاً: «لم یضیعوا» یک فعل متعدی است نه لازم، در گزینه (۴) به صورت لازم تلف نشده) ترجمه شده که نادرست است. [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

عمرهم: عمرشان اخصیر «هم» باید در ترجمه لحاظ شود. [رد گزینه (۱)]
توصلوا: یعنی به دست یافته‌اند («توصلوا» ماضی است نه مضارع، ضمناً «در یافته‌اند» در گزینه (۳) معادل درستی برای این فعل نیست.) [رد سایر گزینه‌ها]
حقیقه الحیاة: حقیقت زندگی («حقیقه الحیاة» یک ترکیب اضافی است نه وصفی، ضمناً بدون ضمیر است.) [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]

۲۳ ۲۳ ترجمه: مهرداد ابراهیم، ۱۳۱ و ۱۳۲ صفحه ۱۳۱

[گزینه] نادرست را مشخص کن:

يجب علينا أن نصلح، واجب است (باید، لازم است) اصلاح کنیم.
لا قلب للوقت: زمان هیچ گناهی ندارد (این «لا» لای نفی جنسی است و در ترجمه آن باید از «هیچ ... نیست»، «هیچ ... ندارد» استفاده کنیم.)
ترجمه درست: (پس) ما باید خودمان را اصلاح کنیم و زمان هیچ گناهی ندارد.

۲۴ ۲۴ ترجمه: مهرداد ابراهیم، ۱۳۱ و ۱۳۲ صفحه ۱۳۱

[گزینه] درست را مشخص کن:

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) أفعلت ← می‌دانم (دقت شود، فعل مضارع متکلم وحده «أفعلت» یا اسم تفضیل «أفعلت» و فعل ماضی باب افعال «أفعلت» با هم اشتباه ننسود.)
ترجمه درست: گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانست.

۲) لیت ... یدکرونی: ای کاش ... مرا یاد کنند (اگر «لیت» یا «لعل» بر سر فعل مضارع بیایند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند.)
ترجمه درست: ای کاش دوستام مرا یاد کنند.

۳) علی الله فلیتوکل: باید تنها بر خدا توکل کنند («لیتوکل» فعل امر غایب از باب «تفعل» است و باید به صورت «باید ... توکل کنند» ترجمه شود. ضمناً «علی الله» جارومجروری است که بر فعل خود «یتوکل» مقدم شده، از این رو به صورت تأکیدی «تنها بر خدا» ترجمه می‌شود.)
ترجمه درست: مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

۲۸ ۲۸ ترجمه: مهرداد ابراهیم، ۱۳۱ و ۱۳۲ صفحه ۱۳۱

کلمات کلیدی: لا نطلموا / لا نجتون / أن نظلموا / کما نجتون
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

لا نطلموا: ستم نکنید (لای نهی + مضارع صیغه‌های مخاطب به صورت امر منفی ترجمه می‌شود.) [رد گزینه (۲)]

لا نجتون: دوست ندارید (این فعل مضارع منفی و از صیغه للمخاطبین است.) [رد گزینه (۴)]

أن نظلموا: مورد ستم واقع شوید (أن + مضارع مجهول به صورت مضارع التزامی مجهول ترجمه می‌شود.) [رد سایر گزینه‌ها]

کما نجتون: همان طوری که دوست دارید [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

۲۹ ۲۹ ترجمه: مهرداد ابراهیم، ۱۳۱ و ۱۳۲ صفحه ۱۳۱

کلمات کلیدی: الضرورات / تضطر / تحثّل الأعمال الصعبة / حتی یوفّر
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

الضرورات: ضرورت‌ها، نیازها (این کلمه جمع است و به صورت مفرد ترجمه نمی‌شود.) [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

تضطر: وادار می‌کنند، مجبور می‌کنند، تاجاز می‌کنند. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
تحثّل الأعمال الصعبة: تحمل کارهای سخت [رد سایر گزینه‌ها]

حتى یوفّر: تا فراهم کند [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

۳۰ ۳۰ ترجمه: مهرداد ابراهیم، ۱۳۱ و ۱۳۲ صفحه ۱۳۱

کلمات کلیدی: الحصول علی / لا تملك / أن تدرك / قيمة / نملك
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

الحصول علی: دستیابی به (این کلمه در سایر گزینه‌ها درست ترجمه نشده است.) [رد سایر گزینه‌ها]

لا نملك: نداریم (فعل است و به صورت اسم (نداشته‌ها) نباید ترجمه شود.) [رد گزینه‌های (۱) و (۴)]

أن تدرك: درک کنیم، بدانیم [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]
قيمة: ارزش [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

نملك: داریم، مالک هستیم (به شکل «مالک آن هستیم» یا «مالکش هستیم» نمی‌تواند با ضمیر ترجمه شود.) [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

۳۱ ۳۱ ترجمه: مهرداد ابراهیم، ۱۳۱ و ۱۳۲ صفحه ۱۳۱

کلمات کلیدی: يحتاج / شیلنا / نماذج مثالیة / العلم و العمل / حتی یتهدوا
مقایسه کلمات کلیدی در سایر گزینه‌ها:

يحتاج: احتیاج دارند، نیاز دارند (فعل مضارع است.) [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
شیلنا: جوانان ما (ضمیر «نا» باید ترجمه شود.) [رد گزینه (۱)]

نماذج مثالیة: نمونه‌هایی برتر (این ترکیب وصفی و نکره است.) [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

العلم و العمل: علم و عمل (این دو اسم معرفه هستند.) [رد گزینه (۱)]
حتى یتهدوا: تا هدایت شوند (این فعل مجهول است.) [رد سایر گزینه‌ها]





۸۷ (۱۱) تکوین (۱۱) - درس ۳

دولت وعده داده است تا برای یافتن راهی برای خروج از مشکل الودگی هوا در شهر اقدام کند. آن‌ها می‌دانند وقتی برای هدر دادن نیست.

- (۱) اقدام، عمل
(۲) موضوع؛ عنوان؛ فاعل
(۳) شی؛ هدف؛ مفعول
(۴) کارکرد؛ عملکرد

توضیح: اقدام کردن: take action

مردم به دلایل گوناگونی می‌توانند خواب [خودشان] را از دست بدهند. از جمله [بصرف] داروها، کافئین، استرس و درد. وقتی علت اصلی رفع شود، معمولاً مشکل خواب به خوبی خود بهتر می‌شود یا وجود این برای برخی افراد مشکلات خواب به بی‌خوابی بدل می‌شود. ناتوانی مزمن برای به خواب رفتن یا در خواب ماندن (به خواب خود ادامه دادن). پژوهش نشان می‌دهد که نگرش‌ها در مورد خواب و الگوها و رفتارهای خوابی ناشی [از آن] باعث می‌شود افراد خاصی بیشتر احتمال داشته باشد تا از شب‌های بی‌خوابی رنج ببرند.

۸۸ (۱۱) تکوین (۱۲) - درس ۳

توضیح: طبق مفهوم جمله، در جای خالی برای کامل کردن این جمله به حرف اضافه نیاز است در بین موارد موجود در گزینه‌ها، تنها including (از جمله) در گزینه (۱) حرف اضافه است.

۸۹ (۱۱) تکوین (۱۳) - درس ۳

- (۱) سبب، علت (۲) سبک، شیوه (۳) تجربه (۴) فعالیت

۹۰ (۱۲) تکوین (۱۴) - درس ۳

- (۱) وقتی که، هنگامی که (۲) هم‌چون
(۳) گرچه، اگرچه (۴) با وجود این، با این حال

۹۱ (۱۲) تکوین (۱۵) - درس ۳

- (۱) اجازه دادن به (۲) ماندن، اقامت کردن
(۳) شدن، رسیدن به (۴) نگاه‌داشتن، برگزارد کردن

۹۲ (۱۱) تکوین (۱۶) - درس ۳

توضیح: با توجه به این‌که در جایگاه فاعل از دو عبارت مجزا استفاده شده که به وسیله and با هم به‌کار رفته‌اند، فاعل سوم شخص جمع است و در زمان حال ساده برای آن از شکل ساده فعل (در این مورد make) استفاده می‌شود.

شرایط اقتصادی نیز بر امید به زندگی تأثیر می‌گذارد. که عقبایی آماری از متوسط زمانی است که انتظار می‌رود یک موجود زنده، زندگی کند برای مثال، در بریتانیا امید به زندگی در نوزادان کمترین و بولدترین مناطق چندین سال بالاتر از فقیرترین مناطق است. این ممکن است بازتاب عواملی هم‌چون رژیم غذایی و سبک زندگی و همچنین دسترسی به مراقبت پزشکی باشد. این [موضوع] ممکن است همچنین اثری گزینشی را منعکس کند؛ افراد یا بیماری‌های کشنده مزمن کمتر احتمال دارد که بولدتر شوند یا در

۸۰ (۱۱) تکوین (۱۷) - درس ۳

طول عمر ستارگان بسته به این‌که یک ستاره چه قدر سریع سوخت هسته‌ای خودش را مصرف می‌کند، می‌تواند از چند میلیون سال تا میلیاردها سال متفاوت باشد.

- (۱) بستگی داشتن به؛ وابسته بودن به

- (۲) برداشتن، بلند کردن

- (۳) شامل ... بودن

- (۴) [هوابعا و غیره] بلند شدن؛ [لباس و غیره] برآوردن

۸۱ (۱۱) تکوین (۱۸) - درس ۳

مطالعات نشان داده‌اند که اگر بچه‌مدرسه‌ای‌ها صبحانه مناسبی نخورند، اغلب برای تمرکز کردن در مدرسه دشواری دارند.

- (۱) مناسب، شایسته

- (۲) مربوط به؛ پزشکی

- (۳) معدنی (۴) خانگی، خانوادگی، داخلی

۸۲ (۱۲) تکوین (۱۹) - درس ۳

همسر به من گفت که لباس‌هایم را عوض کنم چون فکر می‌کرد که برای مهمانی به نحو مناسبی لباس نپوشیده بودم.

- (۱) به طور جدی؛ شدیداً (۲) شخصاً

- (۳) معمولاً، عموماً (۴) به نحو مناسبی، به نحو شایسته‌ای

۸۳ (۱۱) تکوین (۲۰) - درس ۳

او بطری را در اموال انداخت و محو شدن آن را در دریا تماشا کرد.

- (۱) محو شدن، ناپدید شدن (۲) کاهش دادن؛ کاهش یافتن

- (۳) چسبیدن؛ چسبانیدن (۴) دنبال کردن؛ پیروی کردن

۸۴ (۱۲) تکوین (۲۱) - درس ۳

ستاره‌شناسان می‌دانند که سیارات پلوتون و دریتون تقریباً اندازه، جرم و چگالی یکسانی دارند.

- (۱) عمیقاً، به شدت (۲) به ندرت

- (۳) تقریباً، حدوداً (۴) در نهایت، بالاخره

۸۵ (۱۲) تکوین (۲۲) - درس ۳

بهترین راه دور نگاه‌داشتن کودکانشان از مواد مخدر خطرناک آموزش دادن به آن‌ها است تا برای خودشان انتخاب‌های آگاهانه‌ای انجام دهند.

- (۱) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

- (۲) رسیدگی کردن به، پرداختن به

- (۳) واکنش نشان دادن، عکس‌العمل نشان دادن

- (۴) آموزش دادن به، تعلیم دادن به

۸۶ (۲) تکوین (۲۳) - درس ۳

میریم که فکر می‌کرد همه آن‌ها به نجوی او را تشبیه خواهند کرد، می‌ترسید به خانواده‌اش بگوید چه اشتباهی انجام داده است.

- (۱) احساسی؛ احساساتی (۲) ترسیده؛ نگران

- (۳) ذهنی؛ روحی (۴) مطمئن، با اعتماد به نفس



۵۷ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

دستیابی به درجاتی از حکمت یکی از میوه‌ها و ثمرات اخلاص است. حکمت، علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد و مانع لغزش‌ها و تباهی می‌شود.

۵۸ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

با توجه به آیه شریفه ﴿أَحْسِبُ الثَّانِي أَنْ يَنْزِعُوا أَنْ يَقُولُوا إِنَّمَا وَهُم لَا يَفْقَهُونَ﴾: «آیا مردم گمان کردند رها می‌شوند همین که بگویند ایمان آوردیم و آزمایش نمی‌شوند؟»، سنت امتحان و ایستادگی و آزمایش در یافت می‌گردد که عامل بروز و ظهور استعداد های آدمی است.

۵۹ (۲۳) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

آیه شریفه ﴿لِحَيِّينَ بِهِ تَلَذُّهُ سَيِّئًا﴾: «با آن [آب] زمین مرده را زندگی بخشیدیم» اشاره به دلایل امکان معاد دارد، یعنی دلیلی که آن را از حالت امری بعید و غیرممکن خارج می‌سازد و نمونه آن جریان هضمی مرغ و زندگی در طبیعت است، مانند بهار که رستاخیز طبیعت و نمادی از رستاخیز عظیم قیامت نیز است.

۶۰ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

زیبایی لفظی قرآن کریم از جمله شیرینی و رسایی عبارات در عین اختصار، سبب نفوذ خارق‌العاده این کتاب آسمانی در افکار و قلوب در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به‌خصوص ادیبان و دانشمندان تحت تأثیر آن، صلحان شده‌اند و مبارزه طلبی قرآن کریم (تحدی) مربوط به هر دو جنبه افتخار قرآن یعنی لفظی و محتوایی می‌شود.

۶۱ (۲۳) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

یکی از اقدامات امامان مربوط به مرجعیت دینی ائمه، «اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر(ص)» است، چون پس از رحلت پیامبر(ص) نوشتن احادیث ایشان ممنوع شد و این ممنوعیت آثار زبان‌باری برای مسلمانان داشت، البته امیرالمؤمنین(ع) و حضرت فاطمه(س) به این ممنوعیت توجه نکردند و سخنان پیامبر را به فرزندان و یاران خود آموختند و از آنان خواستند که این آموخته‌ها را به نسل‌های بعد منتقل کنند و نمونه بارز آن حدیث «سلسلة الذهب» است.

۶۲ (۲۳) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

پیامبر اسلام(ص)، حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را در کنار خود جای داد. آن‌گاه برای آنان این‌گونه دعا کرد: «خدایا اینان اهل بیت من‌اند، آنان را از هر بلیدی و ناپاکی حفظ کن.» در همین زمان فرشته وحی آمد و آیه تطهیر را فراتر کرد: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾: «همانا خدا اراده کرده که دور گرداند از شما اهل بیت بلیدی و ناپاکی را و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد.» پیامبر اکرم(ص) برای آگاهی مردم از این موضوع، مدت‌ها هر روز صبح هنگام رفتن به مسجد از در خانه حضرت فاطمه(س) می‌گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می‌زد و آیه تطهیر را می‌خواند.

فرهنگ و معارف اسلامی



۵۱ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

با توجه به این‌که در ترجمه آیه ۶۰ سوره قصص، میان دنیا و آخرت، مقایسه‌ای صورت گرفته است و در انتهای آیه هم از تفکر و تعقل سخن رفته است لذا از این جهت با آیه شریفه ﴿وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنِّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لُو كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ «این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقی است، اگر می‌دانستند» ارتباط مفهومی بسیار زیادی دارد.

۵۲ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

آیه شریفه ﴿وَ لَنَسِيْ وَ مَا سَوَّاهَا قَالَتْ مَتَّحِبَتَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾: «سوگند به نفس و آن‌که سامانیش بخشید» آن‌گاه بگذری و نقابش را به او الهام کرده، مؤید تفاوت انسان با سایر موجودات است، چون انسان دارای چنین ویژگی‌هایی در نفس است و آیه شریفه ﴿إِنَّمَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَ إِنَّمَا كَفُورًا﴾: «ما را به او نشان دادیم یا سپاسگوار خواهد بود، یا ناسپاس» نشانگر این است که خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مشغول سروشت خویش قرار داد، سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود با استفاده از سرمایه عقل، راه رستگاری را برگزینیم (گوشش) و از شقاوت دوری کنیم (اجتناب).

۵۳ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ رَزَىٰ وَ رَزِيَّتُمْ فَأَعْتَدُوا هَذَا صِرَاطٌ مَسْتَقِيمٌ﴾: «همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بندگی کنید [که] این راه راست [و درست] است.» گویای آن است که انسان موقد کسی است که تعابلات درونی خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار می‌دهد (توحید عملی = فَأَعْتَدُوا).

۵۴ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

کسی که راه سعادت را که همان تقرب به خداست شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود بیمن می‌بندد که آن چه را خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده است (واجبات) انجام دهد و خداوند را خشنود سازد.

۵۵ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

حضرت زینب(س) خواهر شجاع ائمه حسین(ع) پس از تحمل اثنیه مصائب دشمن، که یکی از آن‌ها می‌تواند اسان را درهم‌شکند، در پاسخ به جمله تحقیرآمیز عبداللهمین زیاد، حاکم کوفه که گفت: دیدی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: «در این واقعه [جز زیبایی ندیدم]. این سخن نشان‌دهنده اوج عزت نفس ایشان است و این موضوع در آیه شریفه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾: «هرکس عزت می‌خواهد [بداند] که هر چه عزت است، از آن خداست» اشاره شده است.

۵۶ (۲۲) دین و تمدن، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ق. ۳

آیه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ...﴾: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است...»، به خالقیت خدا اشاره دارد، چون نور سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر است. خداوند هم نور هستی است؛ یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و با به عرصه هستی می‌گذارند.





۸۸- ۱۱۱ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

- ۱) ابزار، وسیله
- ۲) منشأ، ریشه
- ۳) تقاضا، درخواست
- ۴) سنت، آداب و رسوم

۸۹- ۱۱۲ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

توضیح: عبارت "all around the world" یک همانند به حساب می‌آید که در عتن درس ۱ سال یازدهم، با آن آشنا شدیم بهتر است آن را به همین صورت به خاطر بسپارید.

۹۰- ۱۱۳ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

توضیح: حرف اضافه "for" (برای، به مدت) می‌تواند برای نشان دادن یک بازه زمانی استفاده شود. این کاربرد به خصوص هنگام استفاده از زمان حال کامل (have dreamed of) بسیار متداول است.

۹۱- ۱۱۴ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

توضیح: بعد از حروف اضافه (مثل of در این تست) فعل به صورت اسم مصدر (ing) ظاهر می‌شود.

۹۲- ۱۱۵ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

توضیح: با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (یعنی این‌که تمام مردم به یک زبان صحبت کنند) یک امر فرضی و خیالی به حساب می‌آید و زمان جمله نیز به حال یا آینده مربوط می‌شود، باید از ساختار شرطی نوع دو استفاده کنیم. در ساختار شرطی نوع دو، در بند شرط از گذشته ساده و در بند جواب شرط از ساختار آینده در گذشته (شکل ساده فعل + would) استفاده می‌کنیم.

زبان یکی از توانایی‌های مهم آدم‌هاست که باعث می‌شود نوع بشر از حیوانات متمایز شود. بنابراین، از دست رفتن زبان سوالات بسیاری را در مورد تاریخ، انسانیت ما و شاید در مورد آینده ما نیز برمی‌انگیزد. هر مطالعه تاریخ زبان نشان می‌دهد که زبان‌ها، همانند انسان‌ها در طول زمان توسعه می‌یابند. بر اساس برخی تخمین‌ها، حدود ۷,۰۰۰ زبان هنوز در جهان صحبت می‌شود. این عدد نشانه‌ای از تنوع و گستره تجربه انسانی در سرتاسر جهان است. ولی تمام آن زبان‌ها به یک میزان سالم نیستند. در واقع، در حالی که برخی زبان‌ها سالم و قدرتمند هستند، دیگر [زبان]‌ها در فرایند مردن و نابود شدن قرار دارند. در واقع، تحقیق نشان می‌دهد که زبان‌ها بسیار سریع در حال منقرض شدن هستند. برخی معتقدند که تا [سال] ۲۱۰۰، کمتر این زبان‌ها، شاید تا ۹۰٪ از آن‌ها دیگر در رسانه گفتاری وجود نخواهند داشت. اگر این زندگی گیاهی، یا وال‌ها و دلفین‌ها بود، بسیاری از مردم نگران بودند و می‌خواستند کاری انجام شود تا این فرایند ناخوشایند متوقف شود. با وجود این، در کمال شگفتی، به نظر می‌رسد علاقه کمی به این رویداد وحشتناک وجود داشته باشد. وقتی یک زبان به وجودش پایان می‌دهد چه چیز از دست می‌رود؟

۸۲- ۱۱۶ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

- ۱) نقشه، طرح
- ۲) فضای محیط
- ۳) اعلان، اخطار
- ۴) حروف اختصاری، مخفف

۸۳- ۱۱۷ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

ممکن است باور نکنید، ولی هزاران سال پیش، [این] که زمین گرد است اعتقاد بسیار پذیرفته شده‌ای در اروپا بود.

- ۱) مستقیم؛ یک راست
- ۲) به شدت، بسیار؛ به طور گسترده
- ۳) به طور ناگهانی، یکباره
- ۴) در کمال تعجب

۸۴- ۱۱۸ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

نقش پلیس شکنج قوانین نیست، بلکه [این است که] مردم را وادار کند از آن‌ها پیروی کنند.

- ۱) خطر کردن، ریسک کردن
- ۲) پیروی کردن، اطاعت کردن
- ۳) دست یافتن، لایل شدن
- ۴) اطلاع دادن، آگاه کردن

۸۵- ۱۱۹ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

خوردن صحیح و ورزش کردن روزانه هر دو نیاز است تا به تقویت کردن سلامتی در افراد، پیر و جوان به طور یکسان، کمک کند.

- ۱) منبع، دارایی
- ۲) اصل، اساس، قاعده
- ۳) سلامتی، تندرستی
- ۴) تنوع، گوناگونی

۸۶- ۱۲۰ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

اگر آن‌ها علت مشکل را بدانند، ممکن است بتوانند بفهمند چگونه از رخ دادن مجدد آن در آینده جلوگیری کنند.

- ۱) ادامه دادن
- ۲) رها کردن؛ [سیگار و غیره] ترک کردن
- ۳) برگشتن، برگرداندن
- ۴) فهمیدن؛ بی بردن

۸۷- ۱۲۱ | کلیسای ۱۲۱ - ۱۲۲ | ۳۸۷-۳۸۸

ما دو نفر به نام باول خیمز مشغول به کار در اینجا داریم، بنابراین این [موضوع] یک مقدار گیج‌کننده است.

- ۱) شلوغ؛ پرآزدحام
- ۲) محبوب، پرطرفدار
- ۳) غیرقابل فهم، نامفهوم
- ۴) گیج‌کننده

زبان ابزار اصلی ارتباط میان ملت‌هاست، ولی از آن‌جا که زبان‌های متفاوت بسیار زیادی وجود دارد، افراد سرتاسر جهان [برای] فهمیدن یکدیگر کار مشکلی دارند. برای سال‌های بسیار، انسان‌ها رهنمای ساختن یک زبان بین‌المللی یا جهانی را داشته‌اند که تمام افراد بتوانند [با آن] صحبت کنند و بفهمند. دلایل آن‌ها سراسر است و مشخص است اگر تمام افراد یک زبان را صحبت می‌کردند، ارتباطات فرهنگی و اقتصادی بسیار نزدیک‌تر بود و حسن نیت میان کشورها افزایش می‌یافت.



۱۵ (۱) فصل ۱۲۶ - ص ۸

دلمن نسیم صبا / صبا: وابسته وابسته (مضافالیه مضافالیه) (۱ مورد)

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

(۲) نشاط باده تلخ / تلخ: وابسته وابسته (صفت مضافالیه)

نشاط باده - فنا / فنا: وابسته وابسته (مضافالیه مضافالیه) (۲ مورد)

(۳) بند همه غمها / همه: وابسته وابسته (صفت مضافالیه)

بند غمهای جهان / جهان: وابسته وابسته (مضافالیه مضافالیه) (۲ مورد)

(۴) سب زخندان - گروه / گروه: وابسته وابسته (مضافالیه مضافالیه)

زخندان این گروه: این: وابسته وابسته (صفت مضافالیه) (۲ مورد)

۱۶ (۲) فصل ۱۱۱ - ص ۱۱ / فصل ۱۱۱ - ص ۱۱

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) جو دلبدم ... / گرفتار از شوم

(۲) جو بار سر سبک کردی

(۴) جو پرهیزی ندارم

۱۷ (۳) فصل ۱۱۱ - ص ۱۱ / فصل ۱۱۱ - ص ۱۱

مفهوم مشترک ابیات سؤال و ضرب‌المثل گزینه (۳): توصیه به دست‌کم نگرفتن دشمنی که در ظاهر، ناتوان به نظر می‌رسد.

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) همدانگ بودن گفتار با احوالات درونی / ظاهر آینه باطن است.

(۲) تناسب عمل با عکس‌العمل / گفتار ملایم موجب پیش‌گیری از تندخویی است.

(۴) بی‌اهمیت بودن بدخواهی دشمنان، با تکیه بر ایلاف محبوب

۱۸ (۳) فصل ۱۱۱ - ص ۱۱

مفهوم مشترک آیه شریفه که به‌طور ناقص در صورت سؤال آمده، و گزینه (۴): جاودانگی شهیدان

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) جاودانگی نام نیکو / خیرخواهی موجب نیکنامی است.

(۲) ازلی و ابدی بودن عشق شاعر

(۳) اتعای پاکبازی و جان‌فشانی، و طلب وصال از معشوق

خطای علمی سؤال: طرز سؤال، بدون توجه به مفهوم آیه - که به‌طور مشخص درباره شهیدان راه خنیا می‌گوید (و نه کشته‌شدگان هر راهی) - گزینه (۴) را که بیتی عاشقانه از سعدی است، با صورت سؤال، هم‌معنی تصور کرده، به اعتبار «کشته» بودن و «زنده‌اند» بودن، با این نگاه، در گزینه (۳) هم، حرف از «شهید عشق» است؛ هرچند، به جاودانگی او اشاره نشده، به هر حال، با توجه به ظاهر بیتی طرز در چنین پرسش‌هایی، گزینه (۴) را باید پاسخ در نظر گرفت.

۹ (۱) فصل ۱۰۱ - ص ۶

آرایه‌های بیت: تشبیه: لاله به روی / نقش شیرین به گرد

تشخیص: دامن خود (بیسنون)

ایهام: شیرین: ۱- معشوقه فرهاد ۲- مطلوب و دوست‌داشتنی

تلمیح: اشاره به داستان فرهاد و شیرین

۱۰ (۱) فصل ۱۰۱ - ص ۶ / فصل ۱۰۱ - ص ۶

ایهام تناسب: پروانه: ۱- اجازه، مجوز (معنی موجود در بیت) ۲- گونه‌ای حشره

زیبا (معنی) تناسب با بیت: متناسب با شمع / تشبیه: روی به شمع

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

(۲) استعاره معرجه: - / کتابه: چشم و چراغ کردن کتابه از عزیز و معشر

کردن / سرافکننده کردن کتابه از شرمسار کردن

(۳) تضاد: نیک بد / حسن تعلیل: -

(۴) ایهام تناسب: - / تلمیح: اشاره به داستان شیرین و فرهاد

۱۱ (۱) فصل ۱۰۱ - ص ۶ / فصل ۱۰۱ - ص ۶

استعاره (بیت «ش»: نقش‌ها استعاره از رویدادها، پدیده‌ها، کردارها / جان‌بخشی

به ایام تشخیص و استعاره است

مجاز (بیت «الف»): سر مجاز از چشم (به تعبیری)

حسن آمیزی (بیت «د»): شیرین سخن

اسلوب معادله (بیت «ج»): حرف بی‌جا / غافلان / غوطه در خون دادن -

بی‌هنگام بودن / مرغ / تیغ اجل جواب گفتن

ایهام (بیت «ب»): دور از تو: ۱- در نبود تو ۲- از تو دور باشد

۱۲ (۱) فصل ۱۰۱ - ص ۶ / فصل ۱۰۱ - ص ۶

معطوف (الف): من و لعل

حذف فعل (ج): ای نصیحت‌گو [با تو سخن می‌گویم / تو را می‌خوانم / به

سخنم گوش فرایده]

متمیز (ب): هزار گونه سخن

بَدَل (د): دفتر دانش ما، جمله بشوید به می

مفهوم: برل

۱۳ (۱) فصل ۱۰۱ - ص ۶

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) راح (شراب) - راه (مسیر، روش) / حور (زیباروی بهشتی) - هور (خورشید) /

(۴) آزار (نخستین ماه بهار، در تقویم رومی و سریانی) - آزار (ادبیت)

خطای علمی سؤال: چه‌طور می‌شود هم‌آوایی واژه‌هایی را برسد که مخاطب،

اصل آن واژه‌ها را هم نمی‌شناسد؟

۱۴ (۳) فصل ۱۰۱ - ص ۶

شکل مرتب‌شده اجزای جمله:

گو گردون هر روز یوسفی جلوه‌گر سازد / آن حسن روزافزون تا قیامت خلیل

را پس است

مفهوم: حرف ایلاف در آیه



۳۸ (۱) شرح متن کتاب

هنگامی که بخواهیم (خواستیم) در زندگی به خوشبختی دست یابیم، چه چیزی به ما کمک می‌کند؟ [گزینه] درست را مشخص کن:

ترجمه گزینه‌ها

- ۱) توجه بسیار به امور اخلاقی و بهداشتی.
 - ۲) کم توجهی ما به گذر زمان و تأثیر آن بر ما.
 - ۳) اتکاب به آرزوها و رؤیاهای مان همه چیز (هر چیزی) را برای ما ضمانت می‌کند.
 - ۴) تندرستی [ما را] از هر چیزی (همه چیز) بی‌نیاز می‌کند، چون خوشبختی را [برای ما] تضمین می‌کند.
- توضیح: در بخشی از متن آمده است که: «و المهمّة هو أن نعلم أن حصول الحياة السعيدة للإنسان بحاجة إلى التأمل في الحياة الأخلاقية و ارتقائها و كذلك الحياة الصحية معاً...»

بنابراین توجه به امور اخلاقی (معنوی) و بهداشتی (مادی) هر دو با هم در دستیابی به یک زندگی سعادت‌مند و خوشبخت مهم است.

۳۹ (۱) شرح متن کتاب

آنچه برای عنوان متن مناسب‌تر است، مشخص کن:

ترجمه گزینه‌ها

- ۱) زندگی سعادت‌مند (خوشبخت) ۲) تمرین‌های [ورزشی] مفید
 - ۳) زندگی سالم (بهداشتی) و اثر آن ۴) تأثیر تندرستی در شناختن آرزوها
- توضیح: با توجه به مفهوم کلّ متن، می‌توان نتیجه گرفت که گزینه (۱) مناسب‌ترین عنوان برای متن مورد نظر است.

[گزینه] درست را در تجزیه و ترکیب مشخص کن (۴۲-۴۰):

۴۰ (۱) شرح متن کتاب

پروسی سایر گزینه‌ها

- ۱) مصدره «تعریف» من وزن «تفعیل» ← مصدره «تعرّض» من باب «تفعل» «یتعرّض» ← بر وزن «یتفعل» و از باب «تفعل» است.
- ۳) حروفه الزائدة «ی، ت» ← حروفه الزائدة «ت - ز» (در افعال ثلاثی مزید، تعداد حروف زاید، فقط و فقط از ماضی صیغه «لغائب» (مفرد مذکر غایب) آن فعل، مشخص می‌شود، یعنی پس از کنار گذاشتن حروف اصلی، حروف زاید مشخص می‌شود).

۴) للمخاطب (للمفرد المذكر المخاطب) ← للغائب (للمفرد المذكر الغائب) وقتی یک فعل مضارع، با حرف «ی» شروع می‌شود، هرگز مربوط به صیغه‌های «مخاطب» یا «متکلم» نیست و فقط می‌تواند از صیغه‌های «غایب» باشد.

۴۱ (۱) شرح متن کتاب

پروسی سایر گزینه‌ها

- ۲) حروفه الأصلية «س، ا، د» ← حروفه الأصلية «س، ع، د» «تساعده» بر وزن «تفاعل» است، بنابراین حروف اصلی‌اش «س، ع، د» می‌باشد.

۳) للمخاطب (للمفرد المذكر المخاطب) ← للغائب (للمفرد المؤنث الغائب) لفاعل فعل «تساعده» ضمیر مستتر «هی» بوده و مرجع آن «ممارسة...» است که «مفرد مؤنث» می‌باشد.

۴) حرفان زائدان ← حرف زائد «تساعده» فعل مضارع بر وزن «تفاعل» و از باب «تفاعله» است و اولین صیغه فعل ماضی آن، یعنی «تساعده» تنها یک حرف زاید دارد.

۴۲ (۱) شرح متن کتاب

پروسی سایر گزینه‌ها

۲) خبره «خطوة» ← خبره «هي الاعتناء...» (جملة اسمية) «خطوة» مضاف‌الیه است نه خبر.

۳) معرفة ← نكرة

۴) من الأعداد الأصلية ← من الأعداد الترتيبية «واخذ» از اعداد اصلی است، ولی «أول» جزء اعداد ترتیبی است.

[گزینه] مناسب را برای پاسخ سؤالات زیر مشخص کن (۵۰-۴۳):

۴۳ (۱) شرح متن کتاب

[گزینه] نادرست را در حرکت‌گذاری جزوف مشخص کن:

الامتحانات ← الامتحانات (امتحان) بر وزن «افتعال» است و حرف «ت» در آن باید کسره بگیرد.

تساعده ← تساعده «تساعده» فعل مضارع بر وزن «تفاعل» است و حرف مضارع «ت» باید ضمه بگیرد نه فتحه.

ترجمه گزینه‌ها

۱) داروها را در (از) داروخانه، در آخر راهروی درمانگاه بگیر.

۲) زرافه صدایی دارد که به حیوانات هشدار می‌دهد تا از خطر دور شوند.

۳) [قطعاً] امتحانات به دانش‌آموزان مدارس، برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند.

۴) بر همه مردم [لازم] است که با یکدیگر به‌طور مسالمت‌آمیزی همزیستی داشته باشند (با یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند).

۴۴ (۱) شرح متن کتاب

[گزینه] مناسب را برای جای خالی مشخص کن: «... هوا را لطیف می‌گرداند و ما از آن در روزهای گرم استفاده می‌کنیم.» با توجه به معنای عبارت، گزینه (۳) پاسخ تست است.

ترجمه گزینه‌ها

۱) کامپیوتر (رایانه) ۲) جریان آب

۳) کولر ۴) جریان برق

۴۵ (۱) شرح متن کتاب

[گزینه] نادرست را درباره نشانه‌های «مؤمن» مشخص کن:

یکی از نشانه‌های بارز مؤمن آن است که هنگام مصیبت، بسیار برده‌بار و شکیباست و بی‌تلی نمی‌کند.



ABC زبان انگلیسی

۷۶ (۲) تکوین (۱۳) - ۲ ص ۱۱۱:۱۱۲

مناسقم، تکلیف انگلیسی را تمام نکرده‌ام! مقداری زمان بیشتر به من می‌دهید؟ برای اشاره به عملی که در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده (یا انجام نشده) و تأثیر آن همچنان باقی است، از ساختار حال کامل (have / has + pp) استفاده می‌کنیم. در این جا نیز تمام کردن تکلیف انگلیسی عملی است که در گذشته انجام نشده و همچنان ناتمام باقی مانده است.

۷۷ (۲) تکوین (۱۳) - ۳ ص ۱۱۱:۱۱۲

وقتی یک دانش‌آموز در کلاس به معلم گوش نمی‌دهد و با دیگران صحبت می‌کند، خود و دیگران را از یادگرفتن بازمی‌دارد.

با توجه به ادامه جمله پس از جای خالی، دیگران در جمله ذکر شده‌اند بنابراین نیازی به ذکر مجدد آن‌ها نیست [حذف گزیندهای (۲) و (۴)] و اشاره جای خالی به دانش‌آموزی است که به معلم گوش نمی‌دهد. از آن جا که این دانش‌آموز، فاعلی "prevents" نیز هست، از ضمیر انعکاسی برای اشاره به او استفاده می‌شود. دقت داشته باشید که از "it" نمی‌توان برای اشاره به انسان استفاده کرد [حذف گزینه (۱)].

۷۸ (۱) تکوین (۱۳) - ۲ ص ۱۱۱:۱۱۲

برای من، انجام دادن این شغل به اندازه همان [شغلی] که قبلاً داشتم سخت است. برای اشاره به برابری دو چیز در یک صفت یا قید حالت از ساختار as + ... + as استفاده می‌کنیم. در این جا نیز مقایسه بین شغل قبلی و شغل جدید صورت گرفته به طوری که هر دو به یک میزان سخت هستند، بنابراین در جای خالی برای تکمیل این ساختار به "as" نیاز داریم.

۷۹ (۲) تکوین (۱۳) - ۲ ص ۱۱۱:۱۱۲

کتابدار به دو تا از دانش‌آموزان که داشتند صحبت می‌کردند گفت که ساکت باشند تا بگذارند دیگران بتوانند بر روی درس‌هایشان تمرکز کنند.

با توجه به مفهوم جمله و با نگاهی به گزینه‌ها، مشخص است که جای خالی را نمی‌توان با یک ضمیر فاعلی شروع کرد [حذف گزینه (۲)] چرا که فاعل جمله (librarian) قبل از جای خالی آمده است. از طرفی ساختار مناسب برای فعل "tell" (گفتن؛ خواستن) به صورت "tell somebody to do something" است [حذف گزینه (۳)]. در گزینه (۴) ابتدا با یک ضمیر موصولی مناسب در اینجا (who) توصیف شده و سپس خواسته کتابدار (to keep quiet) مطرح شده است.

۸۰ (۲) تکوین (۱۳) - ۲ ص ۱۱۱:۱۱۲

کارگران نوبت شب، وقتی که برقی رفت مجبور شدند کارکردن را متوقف کنند؛ در واقع، همه‌جا تاریک بود.

- (۱) قاعده قانون
- (۲) سوخت
- (۳) قدرت، توان؛ برقی
- (۴) زغال سنگ

۸۱ (۲) تکوین (۱۳) - ۲ ص ۱۱۱:۱۱۲

پس از گذراندن سه ساعت در اتاق انتظار پزشک، آن زن همچنان باحوصله منتظر نوشتن ماند.

- (۱) خوشحالتابه
- (۲) صورابه، یا حوصله
- (۳) مکرراً، بپایی، بارها
- (۴) کاملاً؛ قطعاً؛ مسلماً

۶۹ (۱) تکوین (۱۳) - ۲ ص ۱۱۱:۱۱۲

انسان منتظر و مشتاق امام زمان (عج)، تجویز انتظار خود را این گونه با ایشان مطرح می‌سازد: «او منتظر است تا که ما برگردیم / ماییم که در غیبت گیری ملتدیم.»

بررسی سایر گزینه‌ها

- (۱) بیانگر عدم آمادگی فرد و جامعه برای ظهور است.
- (۲) بیانگر بی‌تغیر بودن خدا و اصل توحید و یگانگی است.
- (۳) بیانگر فقر موجودات در وجود خود به خداست.

۷۰ (۲) تکوین (۱۳) - ۲ ص ۱۱۱:۱۱۲

بیت «دوست نزدیک‌تر از من به من است / وین عجیب‌تر که من از وی دورم»، احساس خدایی و سرشت خداشنا و فطرت خداجوی انسان را تأکید می‌نماید. حضرت علی (ع) نیز در حدیث «ما رأیت شیئاً آلا و رأیت الله قبطاً و بعدة و مغة» هیچ چیزی را مشاهده نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم. به سرشت خداشنا (فطرت) اشاره نموده است.

۷۱ (۲) تکوین (۱۳) - ۳ ص ۱۱۱:۱۱۲

شخصیت ناپایدار و درونی ناآرام، نتیجه شرک عقلی در بعد فردی است. آنگاه که انسان، دل به هوای نفس سپارد و تسلیم تعالیات نفسانی خود باشد، چنین شخصیتی پیدا می‌کند و مصداق آیه «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ الْهَوَاَ أَقْلًا تَكُونُ عَلَيْهِ زِينًا» خواهد بود.

۷۲ (۲) تکوین (۱۳) - ۳ ص ۱۱۱:۱۱۲

دامنی که شیطان برای حضرت یوسف (ع) به واسطه زلیخا (همسر عزیز مصر) گسترده بود، دعوت به رابطه نامشروع جنسی بود و آن حضرت که با بندگی خالصانه و روی آوردن به پیشگاه خدا به مقام شخیصین و نفوذناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان رسیده بود، در برابر تهدید زلیخا به زندانی شدن و خوارگی مقاومت کرد: «وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لِيَخْشَىٰ وَ لِيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ».

۷۳ (۱) تکوین (۱۳) - ۳ ص ۱۱۱:۱۱۲

با توجه به آیه شریفه «وَلَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمْنَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»، «سوگند به نفس و آنچه سامانیش بخشید آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد» انسان در میان بدکاری و تقوا از اختیار برخوردار است و لذا با شعر «این که فردا این کم یا آن کم / خود دلیل اختیار است ای صبر» که درباره «اختیار انسان در انتخاب دو مسیر گناه و تقوا است» ارتباط مفهومی دارد.

۷۴ (۲) تکوین (۱۳) - ۳ ص ۱۱۱:۱۱۲

زندگی دینی، روشی مطمئن است که بر پایه تقوا و خشنودی خدا بنا شده است. تکیه بر دستورات و احکام خداوند و اعتماد به دستورات او، هرگونه نگرانی نسبت به آینده را از بین می‌برد و در آیه «وَأَقْمِنَ أُنْسُ ثَبَاتَةَ عَلِيٍّ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَن أُنْسُ ثَبَاتَةَ عَلِيٍّ شَقَا جَزْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهٖ فِی نَارٍ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»، به این سبک زندگی اشاره شده است.

۷۵ (۲) تکوین (۱۳) - ۳ ص ۱۱۱:۱۱۲

خداوند به کسانی که با حق، لجاجت و دشمنی کنند و از راه باطل خود خرسند باشند، مهلت می‌دهد و آن‌ها از این فرصت‌ها و امکانات جهت غوطه‌ور شدن در تاریکی و افزایش گناه، سوءاستفاده می‌کنند. در حقیقت مهلت‌ها و امکانات با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر می‌شود و به شقاوت ابدی می‌انجامد.



علاوه بر [علم] اقتصاد، دلیل دیگری برای زردسترس ساختن کامپیوترها برای آفریقایی‌ها وجود دارد. صدها زبان آفریقایی در حال انقراض هستند و زبانشناسان کامپیوتر را به عنوان راهی برای نجات دادن آن‌ها می‌دانند. بر اساس تخمین‌های یونسکو، ۶۰ درصد از ۶۰۰۰ زبان [دنیا] در اینترنت نیستند و هر روز در جایی از دنیا یک زبان منقرض می‌شود. امید این است که کامپیوترها می‌توانند به نجات دادن آن‌ها کمک کنند.

۹۷. ۲۱. لغت‌شناسی

بر اساس متن، کدام یک از موارد زیر درباره مردم سواحلی درست است؟
۱) آن‌ها فاقد مهارت‌های کامپیوتری هستند که آن‌ها را قادر به استفاده کردن از کامپیوترها می‌کند.
۲) آن‌ها علاقه‌مند به استفاده کردن از کامپیوتر در زندگیشان نیستند.
۳) آن‌ها به زبانی صحبت می‌کنند که نمی‌توانند با آن از طریق کامپیوتر در تعامل باشند.
۴) آن‌ها هارد درایو و نرم‌افزار لازم را ندارند تا استفاده از کامپیوتر را به یک واقعیت بدل کنند.

۹۸. ۲۲. لغت‌شناسی

متن گویای آن است که تعداد زبان‌هایی که در آن‌ها افراد نمی‌توانند از طریق کامپیوتر کاری انجام دهند
۱) به طور روزانه در حال افزایش است
۲) بیش از یک [زبان] است
۳) تنها محدود به کشورهای آفریقایی است
۴) هنوز مانده تا مشخص شود

۹۹. ۲۳. لغت‌شناسی

می‌تواند از متن نتیجه‌گیری شود که برخی آفریقایی‌ها هستند که
۱) به زبان‌هایی صحبت می‌کنند که هیچ شکل نوشتاری ندارند
۲) در حال ابداع زبان‌هایی هستند که بی شک منقرض خواهند شد
۳) اعتماد کمی به مقاصد واقعی شرکت‌های خارجی دارند
۴) با هیچ زبانی به غیر از زبان مادریشان آشنا نیستند

۱۰۰. ۲۴. لغت‌شناسی

نویسنده از یونسکو نام برده است. عمدتاً به این دلیل که
۱) گزاره‌ای غلطی را تقویت کند
۲) تعداد زبان‌ها در اینترنت را نشان دهد
۳) ثابت کند که این زبان‌های آفریقایی هستند که بیش از همه نادیده گرفته می‌شوند
۴) تأکید کند که نجات دادن زبان‌ها از انقراض وظیفه‌ای جهانی است

۹۲. ۲۱. لغت‌شناسی

این متن عمدتاً در مورد کدام پرسشی است؟
۱) نخستین برنده چه بود؟
۲) آیا پتروسورها هرگز وجود داشتند؟
۳) چه چیز باعث می‌شد پتروسورها بتوانند پرواز کنند؟
۴) چرا دانش ما از گذشته این قدر ناواضح است؟

۹۳. ۲۲. لغت‌شناسی

واژه "those" در متن به اشاره دارد.
۱) پاها
۲) مشکلات
۳) توضیحات
۴) پتروسورها

۹۵. ۲۳. لغت‌شناسی

کدام یک از موارد زیر به بهترین نحو رویکرد نویسنده را به سه توضیح ارائه‌شده در متن توصیف می‌کند؟
۱) هیجان‌زده
۲) بی‌تفاوت
۳) سردرگم، گیج
۴) نامطمئن، مودت

۹۶. ۲۴. لغت‌شناسی

کدام یک از گزاره‌های زیر، اگر درست [باشد]، نیروی استدلال ارائه‌شده علیه دومین توضیح را کاهش می‌دهد؟
۱) پتروسورها همیشه روی زمین فرود می‌آمدند.
۲) پتروسورها بزرگ‌تر از آن بودند که اصلاً بتوانند فرود بیایند.
۳) پتروسورها در مناطق تیره‌دست، دوز از جنگل‌های انبوه تخم می‌گذاشتند.
۴) آناتومی پتروسورها آن قدر که باید مورد بررسی قرار نگرفته است.

افرادی که به زبان سواحلی صحبت می‌کنند [و] می‌خواهند با استفاده از یک «کامپیوترا» در تعامل باشند - که واژه سواحلی برای کامپیوتر است - نمی‌توانند این کار را به زبان خودشان انجام دهند. هیچ فرقی ندارد که کامپیوترها، هارد درایوهای بسیار بزرگ و نرم‌افزار پیچیده دارند. آن‌ها نمی‌توانند به زبان سواحلی یا زبان‌های دیگر آفریقایی، که صدها [مورد] از آن‌ها وجود دارد، عمل کنند.
با وجود این، به زودی ممکن است آن‌ها بتوانند [چنین کاری کنند]. زبانشناسان در آفریقا در حال کار با متخصصان فناوری اطلاعات هستند تا کامپیوترها را برای آفریقایی‌هایی که هیچ از زبان‌های مورد استفاده در اینترنت نمی‌دانند، قابل کارکرد کند. [علم] اقتصاد دارد باعث این تغییر می‌شود. [شرکت] مایکروسافت بازاری را برای نرم‌افزارهایش در میان گویشگران سواحلی در آفریقای شرقی می‌بیند. گوگل اکنون موتور جستجویی برای گویشگران سواحلی در کنیا دارد. شرکت‌های نرم‌افزاری دیگر احتمالاً به زودی محصولات برای مصرف‌کنندگان آفریقایی می‌سازند.



✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) ترکیب وصفی: — / ترکیب اضافی: عزمت / ضامن دوام / دوام جهان / خون تو / معنای راستی (۵ مورد)
 - ۲) ترکیب وصفی: مردنی چنان / غبطه بزرگ (۲ مورد) / ترکیب اضافی: مرگ تو / مرگت / غبطه — زندگی (۳ مورد)
 - ۳) ترکیب وصفی: — / ترکیب اضافی: [بشت زین] / زین خود / کلبه خود / خیمه خود / [فراز سزا] / سزم (دست‌کم ۴ مورد)
- خطای علمی سؤال: واژه‌های «بشت» و «فراز» به تعبیری حرف اضافه‌اند و به هر حال پرسیدن از آن‌ها درست نبوده است.

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- تعداد جمله‌های بیت سؤال: جوگفتش / ادلم / انگاه دار / چه گفت / از دست بنده چه خیزد / خدا نگه دارد (۵ مورد)
- تعداد جمله‌های گزینه (۳): ای دوست / از حافظ قرار و خواب طمع مدار / قرار چیست / صبوری کدام [است] / خواب کجا [است] (۵ مورد)

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) گفتش / مهر فروغی به تو روزافزون است / گفت / من هم به خلافتش دل برکنم دارم (۴ مورد)
 - ۲) هرگز دلم برای کم و بیش / غم نداشت / آری / غم نداشت / غم بیش و کم نداشت (۴ مورد)
 - ۳) جانان من / برخیز / بانگ جاووش بشنو / آنک / امام ما علم بر دوش بگرفته [است] (۵ مورد)
- خطای علمی سؤال: در گزینه (۴) واژه «آنک» شبه جمله است و به تنهایی یک جمله محسوب می‌شود. بی‌اطلاعی طراح سؤال از معنی و کاربرد این واژه و وضعیت دستوری آن، باعث طراحی چنین سؤال نادرستی شده است.

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱۴) وابسته‌های پیشین: صد تیغ، یکی خوب (۲ مورد) / وابسته‌های پسین: تیغ جفا، دل‌گرمی ما، دم‌سردی ما (۳ مورد)

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) در دو جمله «هی‌اش نام نهادند» و «دی‌اش نام نهادند»، ضمیر «ش» مفعول است.
- در جمله «گاهی [آن را] مراداد مه نام نهادند»، «مراداد» مستند است.
- ۳) واژه هم‌اوا، خویش / رابطه معنایی تضاد: دل‌گرمی و دم‌سردی / مراداد و دی
- ۴) حرف ربط هم‌بایه‌ساز: «و» در مصراع دوم بیت لؤلؤ / حرف ربط وابسته‌ساز: تانکه

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- الف) جانش (نهاد) / محرم اسرار عشق (مستند) / نیست (فعل اسنادی) / ج) هم حرکانش (نهاد) / متناسب به هم (مستند) / بود [است] (فعل اسنادی)
- بررسی سایر مصراع‌ها:
- سا اسر بر ز شوم و بهایی مراست: در این گزینه «سر» نهاد و «م» متمم و «است» فعل غیر اسنادی است.

د) مرا در نهانی یکی دشمن است: در این گزینه «دشمن» نهاد و «م» متمم و «است» فعل غیر اسنادی است.

خطای علمی سؤال: تحلیل مصراع‌های سؤال براساس تصور طراح نوشته شده و همین تعبیر نادرست را برای آزمون سراسری باید به خاطر بسپارید، اما در حقیقت فعل «است» در هر دو جمله، همراه با «راه» معنی «ناشن» می‌دهد و «م» متمم نیست و «ز» هم، به معنی «برای» نیست و «است» هم، «وجود دارد» نیست.

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱۶) ای [کس] (منادای محدود) / با تو سخن می‌گویم (بخش محدود جمله) / کعبه (نهاد) به داغ ماتممت (متمم) تیلی‌پوش (مستند) [است] (فعل محدود) / فرات (نهاد) ز ششکات (متمم) در جوش و خروش (مستند) است (فعل) / فرات (نهاد) رشخهای (مستند) از یم تو است (فعل) / نشیندم: فعل (مفعول آن به تعبیری، جمله بعدی است) / نریا (نهاد) جز تو مشک (مفعول) به دوش (متمم) کشد.

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

۱۷) مفهوم بیت سؤال: توصیه به درک حقایق باطنی

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

۱۸) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): ارزش هر مکانی به چیزی است که در آن قرار می‌گیرد.

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) ستایش بخشنده‌گی و عبادت
- ۳) گرفتاری مایهٔ ارحمندی است
- ۴) توصیف وادی «معرفت»

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

مفهوم ضرب‌المثل مورد سؤال: توصیه به پویایی و نگاهش مستی مفهوم مقابل در گزینه (۳): زها کردن تلاش و تکاپو

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) ارزشمندی دل / نگاهش منت / روزی‌رسانی خداوند
- ۲) لزوم شکمبایی در کسب روزی
- ۴) توصیه به تکاپو در عین اعتقاد به مقدر بودن روزی

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

مفهوم گزینه (۱): گوشه‌نشینی مایه نیکبختی است.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: خاکساری موجب کمال است.

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

مفهوم مشترک آیه شریفه و گزینه (۴): توصیه به نرمی و مدارا، حتی با ظالمین

✓ بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) احترام، احترام می‌آورد
- ۲) توصیف شرمندگی شخص تهمت‌زننده
- ۳) بی‌رحمی کارفرمایان و نوالمنان در حق زبردستان



- ۱۰- نمُو: رشد
- ۱۱- إضافة إلى: علاوه بر
- ۱۲- مصادر راج «مصدر»: منابع
- ۱۳- الشَّوَّاح (ج «الشَّواح»): گردشگران
- ۱۴- الجدير بالذكر: شایان ذکر
- ۱۵- الثقل البحري: حمل و نقل دریایی
- ۱۶- يُعَدُّ بعشمار می‌رود، محسوب می‌شود
- ۱۷- عوامل (ج «عوامل»): عوامل، علّت‌ها
- ۱۸- تشييط: فعال سازی، پویا کردن

۳۶ (۱۱) شرح (مترجم: سزاسازی)

آنچه را که در متن بیان نشده است، مشخص کن:



ترجمه گزیندها

- ۱) اثر دریاها در هوای پاک
- ۲) دریاها و اثر آن‌ها بر پر کردن ساعات فراغت
- ۳) زندگی مردم و اثر دریاها بر آن
- ۴) اثر دریاها در ارتباط کشورها با یکدیگر

توضیح: در متن هیچ صحتی از «اثر دریاها در هوای پاک» به‌عنوان نیل‌مده است.

۳۷ (۱۲) شرح (مترجم: سزاسازی)

آنچه را که از فواید دریاها نیست، مشخص کن:



ترجمه گزیندها

- ۱) ایجاد سازمان‌هایی برای حمل و نقل
- ۲) آن‌ها (دریاها) مکان‌هایی برای زیاده‌کارخانه‌هاست
- ۳) تأسیس شرکت‌های غذایی
- ۴) سواحل آن‌ها مکان‌هایی برای استراحت است.

توضیح: با توجه به این بخش از متن که می‌گویید: «أَنَّ البحار ليست مكانًا للتقايات...» گزینه (۳) را به‌عنوان پاسخ صحیح انتخاب می‌کنیم.

۳۸ (۱۳) شرح (مترجم: سزاسازی)

انسان چگونه خود را می‌گذرد؟



ترجمه گزیندها

- ۱) با آلوده کردن آب‌های دریاها
- ۲) با عدم توسعه اقتصاد کشورش با دریاها
- ۳) با استفاده کردن از زیال‌ها
- ۴) با انداختن باقیمانده غذای خود در دریا

توضیح: با توجه به سطر آخر متن «أَنَّ البحار ليست مكانًا للتقايات فإنَّ عدم رعاية هذا الأمر يسيَّب هلاكة الإنسان بيده» گزینه (۱) را به‌عنوان پاسخ صحیح انتخاب می‌کنیم.

۳۹ (۱۴) شرح (مترجم: سزاسازی)

عنوان مناسب متن این است ...



ترجمه گزیندها

- ۱) منابع غذایی دریاها
- ۲) اهمیت دریاها
- ۳) اثر زیال‌ها در دریاها
- ۴) حمل و نقل دریایی



۳۵ (۱۵) شرح (مترجم: سزاسازی)

گزینه [درست را مشخص کن:



بررسی سایر گزینه‌ها

برنده باهوش: الظائر الذكي «برنده باهوش» یک ترکیب وصفی و معرفه است و باید به‌صورت معرفه نیز به عربی ترجمه شود، یعنی هم عوضوف و هم صفت باید با «ال» به‌کار روند. [رد گزینه‌های (۳) و (۴)]

نظاهر کرد: تظاهر «نظاهر کرد» ماضی است و باید به‌صورت ماضی نیز به عربی ترجمه شود. «تظاهر» فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب از باب «تفاعل» است. [رد گزینه‌های (۲) و (۴)]

بالش: جناحه [رد سایر گزینه‌ها]

متن زیر را بخوان، سپس به سوالات (۳۶-۴۲) با آنچه که مناسب

متن است، پاسخ بده:

تعتمد المطارات من الناس في جميع أنحاء العالم، خاصة في أفقر دول العالم، على (میلاردا) نفر از مردم در سراسر جهان - و به ویژه در فقیرترین کشورهای جهان، مکان‌ها (میلاردا) المحيطات و البحار (انبارها) و دریاها) فائزها مؤثرة بشكل أساسي في إيجاد فرص العمل (برآگ آن‌ها به‌صورت عمده در ایجاد فرصت‌های کار ستر هستند) و كذلك الحصول على الغذاء، والاحتياجات البيئية (و همچنین بدست آوردن غذاء نیازهای روزانه این البلاد المتجاورة لهذه النعمة الكبرى (کشورهای نزدیک این است) علم (برگ) (استفید منها بأشكال مختلفة (از آن‌ها در شکل‌های مختلف بهره می‌رود) في مجال تنمية اقتصادها و نموها (در توسعه اقتصاد و رشد خود). فائزها إضافة إلى أنها تصادر من التعم الغذائية و غيرها (بهره‌ها از علاوه بر آن‌ها منابع از کشورهای غایب و جز آن هستند) فهي فرصة ذهبية لجذب الشَّواح و المسافرين من جميع بلاد العالم للتفرح و التلذذ: (آن‌ها یک فرصت طلایی برای جذب گردشگران و مسافران در سراسر کشورهای جهان برای گردش و لذت بردن هستند) و الأمر الجدير بالذكر (موضوع شایان ذکر) هو أَنَّ الثقل البحري أصبح الآن أحد طرق الاتصال الأساسية بين البلاد. (این است که حمل و نقل دریایی یک یکی از راه‌های ارتباط عمده میان کشورها شده است) فلذلك يُعَدُّ من عوامل تشييط الاقتصاد (به‌عین عامل از عوامل فعال سازی اقتصاد بشمار می‌رود) و أخيرًا ما تجب مراقبتها (و بالاخره آنچه مراقبتش واجب است) هي أَنَّ البحار ليست مكانًا للتقايات (این است که دریاها مکانی برای زیال‌ها نیستند) فإنَّ عدم رعاية هذا الأمر (از عدم رعایت این موضوع) يسيَّب هلاكة الإنسان بيده (است تاودی انسان بدست خودش می‌شود)

معنای کلمات مهم این متن:

- ۱- تعتمد على: متکی هستند به
- ۲- المطارات: میلاردا
- ۳- في جميع أنحاء العالم: در همه نقاط جهان
- ۴- أساسي: عمده، اساسی
- ۵- فرص العمل: فرصت‌های کار، فرصت‌های شغلی
- ۶- كذلك: همچنین
- ۷- الحصول على: به دست آوردن
- ۸- الشَّواح: نزدیک، همجوار، همسایه
- ۹- تنمية: توسعه